



۲۲ شهریورماه ۱۳۰۷ شمسی (۲۰۳۷)
 ۱۰ شوال ۱۳۹۸ هجری قمری
 ۱۳ سپتامبر ۱۹۷۸ میلادی

مذکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات جلسه فوق العاده صبح روز پنجشنبه (۲۲) شهریورماه ۱۳۰۷ شمسی (۲۰۳۷) شاهنشاهی

- فهرست مطالب :
- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
 - ۲- بحث راجع به برنامه دولت جناب آقای جعفر شریف امامی .
 - ۳- اعلام دستور و تعیین موقع جلسه آینده- پایان جلسه .

جلسه فوق العاده ساعت نه صبح بریاست آقای عبدالله ریاضی تشکیل شد

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
 رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .
 (بشرح زیر خوانده شد)
 غائبین با اجازه - خانمها و آقایان : دکتر ابوالهدی - دکتر اربابی - دکتر اعتمادی - جهانشاه افشار - دکتر الموتی - بارکزی - بنی احمد - بهره مند - بیات - پردلی - توتونچی افشار - جاف - جعفر جوادی - حیدرزاده - خزیمه - دکتر خطیبی - دادفر - رحیمی - لاریجانی - رهبر - دکتر ستوده - سعیدی - سلیمانی - شهبازی - نوذر صادقی - صدر - دکتر صدیق اسفندیاری - دکتر ضیائی - دکتر فروزین - دکتر کیان - لیوانی - مجتهدی - دکتر محقق - مشیر - دکتر مهر - تیرلاشاری - نواب صفا - وکیل گیلانی - آصف - اهری - قرائی - دکتر رشید یاسمی - پری اباصلتی - قدس منیر جهانبانی - ویدا داودی - درخشنده کمالی - آزاد - قدس ایران عدیلی - نائینی طباطبائی - فریده هاشمی .
- ۲- بحث راجع به برنامه دولت جناب آقای جعفر شریف امامی .
 رئیس - وارد دستور میشود ، برنامه دولت جناب آقای جعفر شریف امامی مطرح است آقای سعید جوادی تشریف بیاورید .
 سعید جوادی - جناب آقای رئیس همکاران گرامی . از روح برنامه دولت جناب شریف امامی که به ملت عزیز ایران عرضه گردید در جمله طبقات مردم ، هر کسی بروفق تشخیص و درک و سلیقه و عقیده خود ، تضادها بینماید و اظهار نظرها میکند که البته در رژیم دموکراسی عقاید و نظریات ، محترم است و بایستی در مقابل منطقی درست و استدلال محکم ، تسلیم شد و جانب حق و حقیقت را رعایت نمود و بنظر اینجانب هم اگر بی غرضانه و واقع بینانه قضاوت کنیم میتوانیم بخوبی بمعایب و نواقص کارها پی ببریم و در رفع آنها پیروز شویم ، اما اگر خدای ناکرده نظر خصوصی را جایگزین حق و حقیقت بنمائیم در اینصورت با کمال تأسف باید بگویم که این قافله هرگز به مقصد نخواهد رسید (صحیح است) .

و اما این حقیقت را ناچاریم که بگوئیم برخی نارسائیهایی در تمام شئون زندگی اجتماعی - اقتصادی - علمی - صنعتی - اخلاقی - کشاورزی ما چشم میخورد و باعث عقب ماندگی قافله ترقی و تعالی میهن عزیز ایران ما گردیده است. اما بحکم آنکه جلوسرر را از هرجایش بگیریم خیر و منفعت است علاج واقعه را قبل از وقوع واقعه بنمائیم، که نوشدارو بعد از مرگ سهراب فایده ای نخواهد داشت.

در اینجا نگاهی به شکوفائی اقتصاد ایران و حرکت سریع آن می کنیم که ظرف ۱۰ سال گذشته با چهره وندی بالارفته و افزایش شگفت انگیز ثروت ملی با استفاده از اصول منطقی سیاست مستقل ملی و شرایط بین المللی در احقاق و حفظ حقوق جامعه ایران با کسب درآمد عادلانه از فروش نفت موجب گردید که عده ای ثروتهای کلانی بدست آورده اند بسیاری از باصلاح و الاثرانان ژودالی در زیر نقاب صاحبان صنعت و تجارت و بزرگ ثروتمندان شهری و مقاطعه کاران با سوء استفاده از نفوذ کاذب خود در شئون اقتصادی و سیاسی بدون توجه به منافع و مصالح ملی دست آوردهای مادی و ثروت ملی را که با کاربرد صحیح از رهبری انقلاب و تلاش نیروی کار جامعه حاصل شده است با مهارت زیرکانه بطرف خود جذب نموده اند و بدین ترتیب تعادل اجتماعی و اقتصادی را که هدف انقلاب ملی بود برهم زده اند و اینک بحکم کل بوم غوفی شان وجود یک سلسله تحولات عمیق فکری و عملی در تمام مراحل و شئون زندگی امروزی ما، لازم و حتمی است که در محیط صمیمیت و صفا و اتحاد و یگانگی که کلید حل جمله مشکلات است، بنشینیم و به شور و مصلحت پردازیم و دور از هر نوع مغلطه و منسطه که آفت جان خرد و منطقی است حل مشکل نماییم و این آرزوی قلبی ما وقتی جامه عمل خواهد پوشید که محیط زندگی اجتماعی ما از نعمت امنیت و آرامش که بالاترین نعمتها و یگانه نسخه علاج پذیر دردها است، برخوردار باشیم و بندای چاره پذیر پیشوایان دینی و فکری مان که فرموده اند «نعمتان مجهولتان الصحة و الامان» گوش هوش فرا داریم که تمام موفقیتهای مادی و معنوی نوع بشر در سایه وجود نعمت صحت و سلامتی، امنیت، امکان پذیر است و بس، و گر نه در محیط بلوا و آشوب جز نکت و بدبختی و اضمحلال ثمر دیگری عاید ما نخواهد شد. (احسن)

در اینجا نگاهی به قسمت اعظم ثروتمندان و صاحبان سرمایه مملکت مان می کنیم عده ای از اینها بدون اینکه واقعاً لیاقت و شایستگی در افزایش ثروت و توسعه اقتصاد

ملی از خود نشان داده باشند صرفاً با استفاده از شرایط مساعدی که انقلاب بوجود آورده سود برده اند و به همین علت کفایت و شایستگی لازم را در خلق و ابداع راه های جدید تولید ثروت واقعی در بهره برداری صحیح از منابع را نداشته و ابداعاتی در ایجاد زمینه های جدید تولید با نوآوریهای تکنولوژی از آنها سرزده است و یا عده ای با استفاده از اعتبارات سهل و تأمین بازار مطمئن بدون رقابت و عدم پرداخت مالیات حقه دولت و همچنین با استفاده از معافیه های مالیاتی با تشکیل شرکتهای تجاری خانوادگی در جوار کارخانجات تولیدی خود امتیازات ویژه ییکرانی بدست آورده و به هدفهای توسعه ملی در سطح تمامی جامعه بی اعتنائی کرده اند.

پس قبل از همه چیز بایستی حکومت قانون را ضامن استقلال مملکت و موجودیت مان قرار بدهیم آنگاه زمینه اجتماعی مان را برای استقرار نظم و آرامش مهیا کنیم و ب فکر ابداعات و توسعه اقتصادی برای رسیدن بمرزهای تمدن و تعالی باشیم.

واز ذکر این حقیقت و این اصل مسلم نمی توانم چشم ببوشم که علاج قطعی جمله امراض روحی و اجتماعی ما، کاشتن تخم ایمان، و عقیده دینی و مذهبی در مزرعه قلبهای ما است که از ثمرات معجزه آسای دین و مذهب می توانیم کام دل شیرین کنیم و یک محیط امن و آرامش بوجود آوریم و بهشت موعود را در همین دنیای امروزمان احساس کنیم و گر نه آتش جهنم نفاق و کینه و حرص و طمع و شهوات نفسانی، وجود اجتماع ما را تبدیل ب خاکستر خواهد نمود. (صحیح است)

آری پناه دین مقدس اسلام برویم و تعالیم عالیه مذهب جعفری تشیع را مشعل فروران راه زندگی خود قرار بدهیم که روح قانون اساسی مملکت ایران ما بر پایه و اساس مذهب جعفری اثناعشری پایه گذاری گردیده است و یقین داشته باشیم که تا وقتی پرچم توحید لاله الا الله بر سر ملت مدین و اسلام پناه ایران، سایه افکنده است، جان و مال و ناموس ملی و میهنی و دینی ما از شر اهریمنان در امان خواهد بود و این ندای بلند آواز قرآن کریم است که فرمود انانحن نزلنا الذکر و اناله لحافظون یعنی ذات ذوالجلال خداوندی حریم حیثیت و حرمت قرآن و قرآنیان را از گزند حوادث و از شر دیوسیرتان در امان خواهد داشت و بحکم وظیفه اخلاقی باین حقیقت اشاره می کنم که شهادت تاریخ بهنگام بروز حوادث و قصد تجاوز یگانگان بحریم ملی و استقلال میهن عزیز ایران، این سلسله جلیله روحانیون بوده است که بیروی سلاح دینی و معنوی خود

برای رفع بلا و خطر حتی تا پای جان مقاومت نموده و این ودیعه الهی را از دستبرد نامجرمان محفوظ داشته اند و فرموده پیغمبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل این حقیقت را روشن تر میسازد از مجموع عرایض می توانم چنین نتیجه بگیرم که خاک پاک میهن عزیز ما ایران طی قرنهای تاریخ دچار کشمکش های بس هولناک و خطرناکی گردیده و تا برتگاه سقوط رسیده است ولی با تأییدات خداوند متعال و انقاس قدسیه پیشوایان دینی و حقیقت قرآن و پایمردی و فداکاری و غیرت و مردانگی جمله وجوه طبقات میهن پرست و با ایمان ایران بطور معجزه آسا از خطر حتمی نجات یافته و عظمت و استقلال خود را باز یافته و تجدید حیات نموده است (صحیح است) بلی حق همین است که وجوه طبقات ملت ایران از تاجر و کسبه و زارع و معلم و دانشجو و کارفرما و کارگر در هر مقامی باشند یکسند و یکجهت در سنگر و فساداری نسبت بحفظ حریم ناموس ملی محکم و پای برجا باشیم و همچنانکه از مواهب و نعمتهای این آب و خاک همواره برخوردار بوده ایم نباید بهنگام بروز حوادث تغییر روحیه بدهیم و سنگر آنرا عوض کنیم و زمزمه و نغمه مخالف ساز کنیم و باین ندای وجدانی گوش کنیم که میگوید.

زجاهی که خوردی از او آب بساک

نشاید در او اکتی سنگ و خاک

(احسن)

و حالان خدمتگزار و فادار ایران که افتخار داریم از بین گروه و طبقه زحمتکش کارگر بنمایندگی در مجلس شورای ملی انتخاب شده ام ترجمان احساسات پاک و بی آلاش آنان و کلیه اعضاء سازمان کارگران ایران در راه حفظ حریم ناموس ملی و نظام شاهنشاهی (احسن) و آبراز و فاداری بمقدرات ملی و میهنی تاپای جان هستیم (آفرین) و از زبان قلب جمله طبقات زحمتکش ایران در این خانه ملت می گویم:

جو ایران نباشد تن مساباد

براین بوم و برزنده یک تن مسباد

همکاران عزیز: اتحاد و اجتماع کارگران و سازمان کارگران یکی از ارکانهای لازم و حیاتی دموکراسی در تمامی ممالک آزاد جهان و ویژگیهای تفکیک ناپذیر سیستم های اجتماعی و سیاسی آنان می باشد خوشبختانه علیرغم پذیرش نارسائیهای موجود در بین قشر اجتماع ایرانی که طبقه کارگران نیز تا حدی بی نصیب از آنها نمی باشند مع الوصف خائنین مملکت نستوانسته اند

اینک با توجه به پیشرفت و توسعه اقتصادی توأم با آزادیهای انسانی و احترام واقعی به افکار و عقاید و خواسته های نیروی کار پیشهاداتی حائز کمال توجه را علیرغم اینکه برابر سوابق موجود در آرشیو مجلس شورای ملی در خلال سه سال مدت نمایندگی در جلسات رسمی مجلس محترم بمعرض داشته ام مواردی را ذیلاً پیشنهاد می کنم است با عطف توجه بخصوص در اجرای سریع آنها رفاه و آسایش بیشتر طبقه زحمتکش و شریف ایران تأمین گردد.

۱ - توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهاییکه بسرعت بسوی صنعتی شدن گام بر میدارند متکی و منوط به تربیت کارگران ماهر و متخصص و توزیع صحیح و منطقی آنان در رشته های مختلف فعالیت های صنعتی میباشد و همچنین باید اهمیت هم آهنگی صنایع با دانش را در سازندگی یک کشور پیشرفته و مترقی صنعتی کاملاً احساس نمود لذا بمنظور هم آهنگی صنایع با دانش در سطح کشور و استفاده از وجود دانشجویان در تمام رشته های صنعتی پیشنهاد مینمایم همکاری و هم آهنگی سریع و پیوسته ای بین دانشگاهها و مراکز صنعتی ایجاد و از وجود این نیروی عظیم برای تأمین کمبود تکنولوژی استفاده نمود و امکانات مطالعات عملی را در حین کار برای دانشجویان در حال تحصیل فراهم آورد.

۲ - از نیروی عظیم کارگران فصلی ساختمانی کشور که تعداد آنها در سطح مملکت قابل ملاحظه میباشد بهره گیری اقتصادی بعمل آورده و با تنظیم آییننامه

اشتغال برای این طبقه و برنامه ریزی صحیح و بنیادی یا تعیین ضوابط شغلی و مزدی و مزایای قانونی نسبت به تعدیل و تثبیت مزد آنها که بطور فصلی و از طرف خود آنها تعیین میگردد اقدام و از این رهگذر علاوه بر کنترل قیمت ساختمان و مصالح ساختمانی که محصول تولیدی این طبقه می باشد رفاه کارگران ساختمانی را تأمین کرده باشد که این افراد نیز در آینده نزدیک بتوانند همانند سایر کارگران کارگاههای تولیدی از مزایای بیمه‌سازی که کارگران صنایع بهره‌مند هستند سهم باشند.

۳- نداشتن متدوسیت صحیح در عملیات و برنامه ریزی غلط در طرحهای تولیدی که فعالیت کارگران را از مسیر لازم منحرف و مقدار خیلی زیادی تلاش غیر لازم را برای رسیدن به هدف عامل میگردد و یا ضعف مدیریت و سرپرستی که اکثرآ به علل عدم آشنایی به روحیه کارگران و کسی دانش شغلی در مدیران و بالاخره نداشتن تکنولوژی صحیح از مبدأ و یا عدم تطبیق تکنولوژی اصلی با زمان و مکان عوامل عدم بهره‌وری کار در واحدهای تولیدی است لازم است مسئولین محترم هرچه سریعتر عوامل بازدارنده و نارسائیهای بهره‌وری کار را روشن و قبل از اینکه سرمشق غلطی برای نیروی انسانی بر ارزش شاغل در بخشهای دولتی یا خصوصی ایجاد نماید در چاره‌جویی و رفع آنها بشنایند.

۴- تبعیضات حقوقی و رفاهی بین کارگران ایرانی و خارجی مشابه را از بین برده و حقوق و مزایای رفاهی آنها یکسان شود و به تعدادی از کارگران خارجی که نیازی به وجود آنها نیست اجازه کار داده نشود.

۵- وضع اسفبار بیمه خدمات درمانی عامل اصلی نارضایتی کارگران این مملکت می باشد لازم است ضابطه‌ای صحیح در مورد بیمه خدمات درمانی برقرار سازید در اداره و مؤسسات تأمین اجتماعی و یا بیمه‌های اجتماعی نمایندگان گروههای ذینفع نقش اصلی را ایفاء کنند.

۶- تصویب و اجرای ماده واحده بازنشستگی کارگران قبل از موعد مقرر عاملی خواهد بود که نیروی کار پیر و فرسوده جای خود را به نیروی کار جوان و فعال بدهد و در نتیجه سطح تولید واحدهای قدیمی ارتقاء یابد لازم است دولت در تقدیم این لایحه به قوه مقننه که پیش‌نویس آن مدتهاست در وزارت بهداری و بهزیستی آماده است تسریع نماید لازم به تذکر می‌داند که اصلاح فوری قانون تأمین اجتماعی بمنظور حل مشکلات و از بین بردن وضع اسفبار بیمه تأمین

اجتماعی امریست ضروری.

۷- بطوریکه دولت مسبوق است فشار مالیات، افزایش قیمتها و توزیع ناعادلانه درآمدها علت نارضایتی طبقه کم درآمد ملت ایران است لازم است در تهیه طرح کاهش مالیاتهای مستقیم از حقوق بگیران تسریع شود و تبعیض مالیاتی در واحدهای بخش خصوصی و بخش دولتی از بین برود برای روشن شدن مطلب اشاره‌ای به جدول مالیاتی کارگران بخش خصوصی و دولتی می‌کنم کارگری که میزان حقوق ماهیانه‌اش از ۱۲۰۰۰ ریال الی ۲۰۰۰۰ ریال باشد در بخش دولتی ۲/۴٪ مالیات پرداخت می‌نماید در صورتیکه همین کارگر در بخش خصوصی ۸٪ مالیات پرداخت خواهد کرد یعنی ۵/۶٪ بیشتر پرداخت مینماید یا کارگری که میزان حقوق ماهیانه‌اش از ۲۰۰۰۰ ریال الی ۳۳۳۳۳ ریال باشد در بخش دولتی ۵٪ و در بخش خصوصی ۱۰٪ مالیات پرداخت میکند تفاوت ۵٪ و بالاخره کارگری که میزان حقوق ماهیانه‌اش ۳۳۳۳۳ ریال الی ۵۸۰۰۰۰ ریال باشد در بخش دولتی ۶٪ و کارگر بخش خصوصی با همین درآمد ۱۲٪ مالیات پرداخت میکند در نتیجه تفاوت مالیات پرداختی ۶٪ خواهد بود.

حال با توجه به اینکه تمام کارگران ایران تحت حمایت قانون کار بوده و- از مزایای آن بطور مساوی بهره‌مند هستند این تبعیض مالیاتی امریست غیر عادلانه.

در اینجا توجه دولت را به یک تبعیض دیگر جلب مینمایم که اگر کارگر بازنشسته‌ای درجانی مشغول کار شود سازمان تأمین اجتماعی فوری اقدام به قطع مستمریش خواهد کرد در صورتیکه یک کارمند بازنشسته میتواند کاری را قبول کند و این درآمد لطمه‌ای به حق بازنشستگی آن نمیزند.

۸- مسکن و تأمین آن یکی از مشکلات اساسی جامعه ما بوده و طبقات کم درآمد بیشتر این مشکل را احساس مینمایند و با آن مواجه هستند. در این زمینه طبق بررسیهایی که در ۷۸۰ کارگاه بزرگ که حداقل دارای ۱۰۰ نفر کارگر میباشد بعمل آمده تعداد کل کارگران مورد بررسی در کارگاههای فوق الذکر ۳۸۸۸۳۶ نفر بوده است که از این عده فقط ۸٪ دارای خانه سازمانی ۳۰/۶٪ دارای خانه شخصی و بقیه فاقد خانه سازمانی یا خانه شخصی بوده‌اند که تعداد کل واحدهای مسکونی مورد نیاز در این بررسی ۱۷۱۷۲۲ واحد ساختمانی میباشد و با توجه به اینکه میزان

روز کار) و در صورت کسر ۵۲ روز جمعه و ۱۰ روز تعطیل کارگری بازاه ۳۰۳ روز کار باقی مانده معادل ۲۰۴۴ ساعت در سال و بازاه ۳۰ سال خدمت معادل ۸۴۸۴ ساعت است که در صورت استفاده از مرخصی قانونی ۱۲ روز در سال برای مدت خدمت ۳۳۶ ساعت کسر و باقی کل خدمت کارگر ۸۱۴۸ ساعت خواهد بود.

۲- کارکرد مشمولین قانون استخدام کشوری و مقررات مشابه (که استاندارد مدت خدمت رسمی و کار روزانه می باشد) روزانه حداکثر ۷ ساعت هفتگی ۴۲ ساعت ماهیانه ۱۶۸ ساعت (به مأخذ ۲۴ روز کار) و در صورت کسر ۵۲ روز جمعه و ۱۶ روز تعطیل دولتی بازاه ۲۹۷ روز کار سالیانه معادل ۲۰۷۹ ساعت در سال و بازاه ۳۰ سال خدمت معادل ۶۲۳۷ ساعت که در صورت استفاده از مرخصی قانونی ۳۰ روز در سال برای مدت خدمت ۶۳۰۰ ساعت کسر و باقی مدت خدمت ۵۶۰۷ ساعت خواهد شد با مقایسه این رقم با کل خدمت کارگر که ۸۱۴۸ ساعت می باشد مابه‌التفاوت کبی مدت کارکرد ساعتی کارگران و دولتیان و مقررات مشابه ۲۵۴۱ ساعت که بازاه ۸ ساعت کار روزانه معادل ۳۱۷۶ روز و بازاه ۳۰۳ روز کار در سال ۱۰ سال و ماه و ۲۱ روز خواهد بود یعنی یک کارگری که بعد از ۳۰ سال خدمت به سن بازنشستگی نایل می‌گردد مدت ۱۰ سال و ماه و ۲۱ روز بیشتر از یک کارمند دولتی

کار میکند و اگر مدت خدمت حقیقی ۳۰ سال هر کارگر را به مابه‌التفاوت خدمت رسمی کار در ایران که در مورد مشمولین قوانین استخدام کشوری نافذ می باشد علاوه نمائیم با کمال تعجب ملاحظه خواهد شد که در قبال ۳۰ سال خدمت دولتی، طبقه کارگر و مشمولین قانون کار با آن همه فشار و سنگینی کار در بخش خصوصی ۴۰ سال و ماه و ۲۱ روز خدمت خواهند کرد. بدیهی است با در نظر گرفتن امتیاز دیگر شاغلین دولتی از نظر استفاده بهتر از مرخصی استعلاجی و دریافت حقوق ایام استراحت در شرایطی بالاتر از مشمولین قانون کار ابراز وفاداری کارگران به مقررات قدیمی قانون کار و تأمین اجتماعی منطقی نخواهد بود مگر با اصلاح سریع این قوانین و تجدید نظر در زمان کار - مرخصی - تعطیلات رسمی - طول خدمت - حداقل دستمزد و بالاخره تقلیل مالیات در جهت رفع

عقده و تبعیضات فوق الذکر در امر رفاه واقعی طبقه زحمتکش این مملکت اقدام شود در خاتمه موفقیت دولت جناب آقای شریف اسامی را در راه رسیدن به هدفهای مشارکت نیروی کار در فعالیتهای اقتصادی در طول برنامه ششم عمرانی کشور با یک روند قابل ملاحظه‌ای روبه افزایش خواهد گذاشت لازم است دولت در کلیه قوانین و مقررات حاکم و ناظر بر ایجاد ساختمان و بخصوص در زمینه مسکن سازمانی کارگران تجدید نظر نماید و با حذف تشریفات زائد و کند کننده و تسهیلات لازم در امر پرداخت وام کم بهره ایجاد و ارائه تأسیسات و خدمات شهری برای کار فرمایانی که مسئولیت اجرایی خانه‌های سازمانی را بطور کامل بعهده میگیرند فراهم نماید.

۹- با توجه به اینکه سالیانه تعدادی است کارگر و کارفرما از نارسائیهای قوانین کارگری و تأمین اجتماعی سخن میگویند و چندین بار وزارت کار و امور اجتماعی اعلام داشته که قانون فعلی کار در تمام زمینه‌ها جوابگوی الزامات و مقتضیات جامعه امروز ایران نیست و با توجه کامل به این واقعیت و همچنین روند پیشرفت سریع مملکت تجدید نظر در قانون و مقررات کار را ضروری دانسته‌اند ولی متأسفانه این امر تا به امروز جامه عمل نپوشیده است لازم است تجدید نظر در قانون کار در برنامه‌های جدید وزارت کار و امور اجتماعی از اولویت ویژه‌ای برخوردار باشد و در قانون جدید توجه مسئولین محترم را به این نکته جلب مینمایم چنانچه مدت کار کرد و راندمان رایبه منظور تعیین یک استاندارد صحیح در سطح صنعت جوان ایران و با صنعت پیشرفته جهان به مأخذ ساعت حساب کرده و زمان انجام وظیفه مشاغل غیر کارگری و دولتی را نیز در یک مأخذ استاندارد ساعتی احتساب نمائیم نتیجه چنان تفاوت فاحش را نشان میدهد که بجا خواهد بود توجه دقیق و جدی مسئولین محترم به این امر جلب و چاره جویی نمایند. زیرا طبق تحقیق و رسیدگی در بین طبقات کارگر و مشمولین قانون کار که بدون شک گردانندگان چرخهای صنعت ایران و پاسداران واقعی اقتصاد مملکت هستند یکی از علل عمده عدم تمایل آنها به اشتغال در بخشهای خصوصی و جذب بظرف مشاغل دولتی حتی با درآمد کمتر و عدم استفاده از تخصص خود، علاوه بر احساس تأمین بیشتر آتیه از این نقطه سرچشمه می‌گیرد و با توجه به ارقام زیر توجه دولت را در رفع این تبعیض جلب می‌نمایم.

۱- کارکرد کارگران و مشمولین قانون کار با توجه به ماده ۱۱ قانون کار عبارتست از ۸ ساعت در روز ۴۸ ساعت در هفته ۱۶۲ ساعت در ماه (به مأخذ ۲۴

عالی شاهنشاه عظیم الشان در زمینه تأمین رفاه و آسایش و امنیت کامل ملت عزیز ایران را از درگاه ایزدی آرزو می کنم. (احسن)

رئیس - آقای مظهری بفرمائید.

مظهری - بسم الله الرحمن الرحيم، رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احل عقدی من لسانی یفقهوا قولی.

اینک که با کوله باری از غم و اندوه ودلی ملامال از تأثر و تأسف در این ساحت مقدس آغاز سخن می کنم از درگاه خدای بزرگ مسئلت دارم که زبانم را در راه بیان حق و حقیقت و آنچه مصلحت ملک و ملت ایران است گشوده بدارد (احسن) (یک نفر از نمایندگان - چرا قبلا بسته بود؟) تا نرم بخاطر مرگ جانگداز گروهی از هموطنان ما است که به اعتقاد من بی گناه ولی پراحساس جان دادند و سینه آنها آماج گلوله شد و مرا کاری جز عرض تسلیت به آنها که عزیزانی را از دست دادند ساخته نیست و متأسفم از اینکه مبارزه مردم ما علیه چپاولگران غارتگر و علیه خود کامگان دولتی براهی کشانده شد که متأسفانه یک جنبش مارکسیستی قلمداد شد حال آنکه چنین نبود ملت ما، مردم مسلمان ما هرگز در هیچ عصر و زمانی نه با مارکسیسم نه با کمونیست مانوس نبوده و نخواهد بود ولی مسلم است

که دشمنان مردم و کشور ما نمیگذارند وطن مادر طریق دموکراسی و آزادی که راه سر بلندی و اعتدالی ایران است پیش برود چه کسانی بآدموکراسی ایران مخالفند

چه کسانی در صفوف مردم ما رخنه کرده اند و کردند آنچه را که آرزو داشتند کار را اینجا کشانند که ارتش و مردم را روبروی هم قرار دادند و گروهی را کشتند و بارزوی دیریشان که خفقان بود رسیدند مگر جز این است که تخم کمونیست در منجلاب تباهی و تبعیض و خفقان رشت میکند (صحیح است) مگر ممکن است در یک دموکراسی اصیل و آزاد جایی برای این

فکرها و نظریات منحط وجود داشته باشد این یک گروه از کسانی بودند که نمیخواستند وطن مادر طریق دموکراسی حرکت کند، دسته دیگر غارتگران و چپاولگرانی بودند که تنها در سایه حکومت سرنیزه است که میتوانند این مملکت را چپاول کنند در سایه خفقان است که هر کاری را که بخواهند میتوانند بکنند و تحت عنوان

مارکسیست و کمونیست در نومه ای را خفه کنند اسکندری - حالا که آزادی هست قربان.

مظهری - گروهی دیگر خود کامگان دولتی، خود کامگانی که میخواهند هر چه میکنند کسی را یاری سخن و

اعتراض نباشد و من متأسفم که در اینجا میگویم میخواهند از همه مزایای مشاغل برخوردار باشند هر چه میخواهند بکنند و آنجا که پای قبول مسئولیت پیش میآید پشت سر دیگران پنهان بشوند و بگویند که ما نبودیم و نمیدانیم (آفرین). خواهش میکنم استدعا میکنم از جناب آقای شریف امامی که دستور بفرمایند در جلسات هیأت دولت اول یک دوره قانون اساسی را بخوانند و بحث کنند و تحلیل کنند که قانون اساسی چیست و مفهوم مسئولیت مشترک چیست میشود هم وزیر بود و هم خود کامه بود؟

هم نخست وزیر بود هم خود کامه بود؟ و هم هر کاری خواستی بکنی و بعد بگویی که من مسئول نبودم (دکتر طیب - آفرین) اینها در پیشگاه ملت ایران و پیشگاه تاریخ ایران این سخن ها محکوم است (صحیح است)

اگر مجلس براه خودش رفته بود و گذاشته بودند گفتنی ها را بگویم و اگر آنها را منتشر کرده بودند، کار با اینجانی کشید (صحیح است)، ساعتها من و شما اینجا سخن گفتیم ولی در رادیو و تلویزیون گفتند که نماینده هفتم تبریز راجع به احتیاجات حوزه انتخابیه اش صحبت کرد، اینها دشمنان این مملکت هستند دشمن از بیرون سرزنمایند

اگر هم بیاید تازمین مساعدا نباشد چطور میتواند بهره برداری کند کجا هستند آنها بی که روزی که ما استدعا کردیم که مجلس را تعطیل نکنید گفتند مگر خبری هست؟ والان هم در اروپا و امریکا دارند آب خنک میخورند.

اخلاق پور - معرفی کنید آقای دکتر طیب - خودتان میشناسید.

مظهری - اگر بگذارند در لایحه حکومت نظامی حرفهایمان را میزنیم، اگر ۵۰ نماینده برای اولین بار در تاریخ مشروطیت زیر پیشنهاد را امضاء نمیکردند که نماینده حق سخن ندارد، من آن روز اینجا می گفتم که چرا حکومت نظامی درد کارها نیست، گفتند حرف

نزنید چرا حرف نزنیم؟ اگر اینجا حرف نزنیم بیرویم در کوچه و بازار حرف نزنیم؟ بدون نزاکت و بدون داشتن مسئولیت آنها بی که می گفتند حرف نزنید بیش از ۵۰ نفر زیر پیشنهاد را امضاء کردند پیشنهاد سکوت بود پیشنهاد خفقان بود پیشنهادی را امضاء کردند که یک نفر بیشتر حق حرف زدن ندارد مگر ما چه میخواستیم بگویم؟ یک

قسمت از صحبت در خواندن آنها چاپ شد بخوانید مگر چه میخواستیم بگویم من می خواستم همه آن چیزهایی را بگویم که مهندس شریف امامی با شهامت توی برنامه اش

نوشته است اینها که در برنامه دولت بعنوان نا بسامانی عنوان شده نموداری است از خفقان، از نابسامانی، از نداشتن برنامه و چپاول و غارت مملکت (ظفری - صحیح است - آفرین) حالا که سخن میگویم میترسید، هم عاقلم و هم بالغ می دانم که سخن موافق گفتن خیلی خوب است و همه هم خوششان می آید (همه نمایندگان)، این سخن مخالف است که عوارض دارد و این عوارض را من یکسال تحمل کردم جناب فرهنگ شما تشریف نداشتید من را بردند توی نخست وزیری و گفتند ترامی کنیم زیر تریلی ۲۴ چرخ (جعفر حیدری - فرهنگ مرد وطن پرست و شاهدوستی است تو فریبکاری) مرا صدا کردند و گفتند که هر کسی از دولت سؤال کند دیگر وکیل نمیشود! نمی خواهم بگویم که از قول کی گفتند که دستگاه بی رحم است و بیچاره ات می کند و پرونده برایت می سازد. وزیر مملکت در کاخ نخست وزیری این حرفها را زد ولی من حرفی نزدم و ساکت ماندم.

دکتر طیب - به من هم گفتند.

مظهری - من مبارزه ای را که در طریق راستی و آزادی آگاهانه آغاز کرده ام ادامه میدهم بخاطر آنکه مرا عهده ای است با جنانان که تاجان در بدن دارم از آن نمی گذرم. جناب جوادی من هم با شما هم عقیده هستم که چو ایران نباشد تن من مباد (یکی از نمایندگان - اینها فریب کاری و ریا است) (دکتر طیب - اینها حقیقت است اینها را بمن هم گفتند).

حتی - من سه سال انتقاد کردم کسی چیزی بمن نگفت.

یزدی - شما دفاع کردید، سکوت کردید، چاپلوسی کردید.

مظهری - بهر حال صحبت از دولت و برنامه دولت است، جناب شریف امامی ما از این برنامه های خوش خط زیبا بسیار دیده ایم (دکتر طیب - کی میخواهد این برنامه را اجرا کند؟) از این بازی الفاظ بسیار شنیده ایم همانطور که در برنامه دولت آقای آموزگار هم گفتم اگر این مطالب برای نوشتن است بسیار زیباست ولی اگر بری اجرا است کار مشکلی است من در برنامه وارد نمیشوم سخن من این است دولتی بنام دولت آشتی ملی به میدان آمد ولی هنوز نیایده قهرآلود شد و زهر خودش را به مردم ریخت و از کشته پشته ساخت حالا چطور میشود باز صحبت از آشتی کرد جای بحث است پدر کشتی و تخم کین کاشتی

پدر کشته را کی بود آشتی

مهندس خت صنیع - این برای این بود که بقیه مردم کشته نشوند. (صحیح است)

مظهری - صحبت من در برنامه دولت در این است که چرا این بن بست رسیدیم در حالی که پول، زمان و وثبات و آرامش هم داشتیم بقول آنها که میگفتند همه چیز بود و زمین مساعدا بود. (یکی از نمایندگان - کارهایی هم شد) بنده سنکر کاری که شده است هرگز نخواهم شد و افتخار هم میکنم ولی آبار فاه کافی بود، آنهم رفاه برای عده معدود و خاص، همه چیز برای گروهی خاص، شما به من بگوئید این همه امکانات را که در این سالها صرف و یتربین شهرها کردند، چقدر آن را به روستاها دادند، شما اکثران برگزیده روستاها هستید، شرافت خودتان را مطرح کنید، چی به روستاها دادید؟ (نمایندگان - خیلی خیلی) (قاسم زاده -

به چهل و چهار روستا دادند) بله، این مبلغ پول را به نمایندگان دادند و در اختیار آنان گذاشتند و ما را باز بچه کردند من همان روز در نخست وزیری گفتم این کار مغایر با قانون اساسی است و نماینده در همه امور - ر بودجه مملکت ناظر است و آقای رئیس مرا هو کردند و گفتند چرا نمیگذاری مملکت و روستاها درست بشوند.

رئیس - من هنوز هم با این حرف شما مخالف هستم تخطئه نکنید.

اردلان - خیلی چهره عوض میکنی.

مظهری - بحث من در این است که چه شد که دولت اسبق رفت و چه شد که رفت و دولت آموزگار آمد و چطور دولت آموزگار رفت و دولت شما بر سر کار آمد و چرا به آن جاسیدیم که امروز باید در زیر سرنیزه به بحث و بررسی برنامه دولت بنشینیم (یکی از نمایندگان - سرنیزه کجا بود؟) من متأسفم که بعضی از دوستان سرنیزه ها را نمی بینند ولی من در مسیر خودم و در راه خودم همه جا دیدم، شاید راه من از راه بالای شهر نیست.

مهندس خت صنیع - آقای مظهری همه بالای شهر نیستند

مظهری - بهر حال عنوان کردم، حالا بدید، خوب بود، امکانات بود، زمینه بود، اما ایمان نبود، (یکی از نمایندگان - ایمان هم بود) ایمان هم نبود (اسکندری - به برادر شما نرسید) از این صحبتها بسیار شنیده ایم از این گفتگوها هر جا که مخالفی سخن بگوید، هر جا که حرف حق باشد، این قبیل تهمت ها بسیار است، ولی میتواند واقعیت را پشت این تریبون بگوئید،

بله، باشعار مملکت را به این جارسانیدید، وحشت نداشته باشید. باشعار مملکت را به این جانسانیدید، هروقت خواستیم حرف هایمان را بزنیم گفتند عوامفریب، مار کسبست، چرا این هارامی گوئید؟ چرا این حرفها را می زنید؟ بگذارید حرفمان را بزنیم.

سیفی - چرا قبلا حرف هایمان را نزد شما که سخنگویم بویید.

مظهری - من همیشه حرفم را در این جا زده ام، بله در گذشته هم دوبار تهدید به سلب مصونیت شدم در همین مجلس شاهد داشتم برای اینکه گفتند فتودالیتہ صنعتی،

دکتر طبیب - و در صورت مذاکرات مجلس دفن شد

مظهری - برای این که من گفتم این صنعت مونتاژ

دارد مملکت را چپاول می کند (طبیب - چلو کباب مونتاژ) برای این که گفتم این مسکن مخدر حتی مسکن هم نیست،

آیا حالا من عوام فریب هستم؟ آن چه وظیفه داشتم و آن چه را که میدانستم در آن روزها هم گفتم ولی متأسفانه

جز در صورت مذاکرات مجلس در جایی دیگر ثبت نشد، (دکتر طبیب - بفرمائید آن جا هم دفن شد) بهرحال تاریخ

شاید قضاوت کند، خود کامگان دولتی با مشارکت چپاولگران بخش خصوصی به غارت بیت المال نشستند.

سواد کوهی - آقایان بگذارند حرفشان را بزنند.

رفعی - سیمان کی بود، معرفی کنید (یکی از نمایندگان همه می شناسند)

مظهری - تحت عنوان توسعه کشاورزی مگردوسال پیش این جا نگفتم؟ این وام های کشاورزی کجا رفت؟

به چه کسی دادید؟ کدام توسعه کشاورزی؟ این طرحها و برنامه های توی کاغذ و این وام های کلان، این کاغذها

و این وام ها کجا توسعه کشاورزی بود؟ این هائی که من داد کشیدم و پارسال نگذاشتند من به کمیسیون بودجه

بروم، راجع به وام های صنعتی این صنعت مونتاژ با آن پرونده سازی ها با آن چیز هائی که درست کردند با قام

صنعت، پول های این مملکت را گرفتند و بردند به اروپا و آمریکا و کاخ و ویلا خریدند، ناله ها را در گلو خفه کردند

(اسحق نژاد - منصور روحانی پولها را هدر داد) بلی ناله ها را در گلو خفه کردند ولی این ناله ها به فریاد تبدیل

شد. آری آهسته آهسته این ناله ها فریاد شد، طبیبان های دل ها ناله شد، آرام، آرام، و با تکرار شود این ناله ها فریاد

می گردد، فریاد شد، فریادها را هم گوش نکردید و نشنیدید

مهره ها را جابه جا کردید، آن کسی را که همه قبول

داشتیم که چه کرد با کشاورزی مملکت و چه به روز آن آورد از این جا برداشتیم و به جای نان و آب دارتری فرستادیم این جواب فریاد نبود (ظفری - دهن کجی به ملت بود) عصیان کردند، این عصیان را همان دشمنان ملت ایران، همان هائی که نمی خواستند عصیان این ملت علیه این گروه ها به نتیجه برسد در آن رخنه کردند

شادمان ولوی - آن شعارها هم عصیان بود؟

مظهری - آن شعارها را هم آوردند، عرض کردم که سه گروه دشمنان ملت ایران بودند کمونیست ها و خود کامگان و خودشان، اگر رد پای این

سه گروه پیدا نشد، اگر در میان این ها ثروتمندان مملکت نبود من تمام حرفهایم را پس می گیرم، متأسفانه آن هائی

که این مملکت را چپاول کردند به همه جا رسیدند و باز هم رهایش نمی کنند.

دکتر تجدد - آقای مظهری قبول داشته باشید که کمونیسم بین الملل بوده است و در این جریان دست

داشته است و همه جا رخنه کرده است.

دکتر طبیب - نکند که در قلب شما هم رخنه کرده است (خنده نمایندگان)

مظهری - جناب تجدد وقتی من در اینجا داد زدم که در رفسنجان وضع بدان صورت است شما گفتید که در

رفسنجان خبری نیست در حالیکه واقعاً خبری بود.

دکتر تجدد - ولی در رفسنجان خبری از کمونیسم نیست مردم رفسنجان هوشیار و متدین اند.

مظهری - وقتی که هنوز مردم عصیان نکرده بودند شرافتمندانه مطرح می کنم بسیاری از شما آمدید و مطالبی

را گفتید ما هم فریاد کشیدیم و بسیار هم گفتیم و سؤال کردیم و ناله کردیم، التماس هم کردیم ولی جز تهدید

کردن و مرعوب کردن و مطالبی که از گفتن آن ها در اینجا شرم دارم که پشت این تریبون مقدس بگویم، نتیجه ای

نداد، گفتند که سؤالها را پس بگیرید و ما هم پس گرفتیم چه شد؟ هیچ.... دوبرتبه هم سؤال کردیم باز چه جواب

دادند؟ هیچ.... این بود وضع پارلمان ما، که امیدوارم در آینده چنین نباشد. خود ما هستیم که باید از حق

خودمان دفاع کنیم نباید زیر پیشنهاد را امضاء کنیم که مجلس خفه بشود، و ما کردیم.

دکتر طبیب - اشخاص دیگر کردند و باز هم خواهند کرد.

مظهری - تحت عنوان حکومت وحدت ملی، آمدند و حکومت خفقان ملی بوجود آوردند. گفتند مطبوعات آزاد

است، برای کی آزاد است و برای چه کسی آزاد بود من نماینده را نگذاشتند آزاد باشم و من را ممنوع القلم کردند

و گفتند که حق چاپ نداری این بود آزادی؟ این بود جواب ناله ها و فریادها جناب شریف امامی، این که می گویم

برنامه ها قشنگ است و آن ها را قشنگ می نویسند همین است، انشاء خیلی خوب است و مطالب هم خیلی زیادت

ولی متأسفانه از نوشتن تا عمل کردن فاصله زیاد است، حرکت رابه همین ترتیب منتهی باشو و شعر خوانی و مزه مزه

گوئی ادامه داد هیچکس برای مردم ارزش قائل نبود هروقت هم هر کس فریاد زد اگر در مجلس بود عوامفریب

شد و اگر در بیرون از مجلس بود وطن فروش بود، **ظفری** - وطن از آن چپاولگران شده بود.

مظهری - آیا ما وطن فروش هستیم.

دکتر طبیب - چمدان هایمان را ببینید.

مظهری - سؤال می کنم که هستند کسانی که پول بیمه را ندادند و چرا ندادند و این پولها را گرفتند و چه

کردند جوابشان چه بود؟ جز این که مدیر کل شان دستور دادند هر چند می توانند پرونده بسازند برای من و اطرافیانم

آیا این جواب یک وکیل و نماینده مجلس است؟ این دولت وحدت ملی است؟ این آزادی است؟ این

وطن پرستی است؟ من عوام فریبم؟ گفتیم سردخانه ها را به کی دادید، آمدند در گوش من گفتند مصلحت نیست، گفتیم مصلحت

کی نیست؟ مصلحت جامعه و مملکت مطرح است نه مصلحت افراد، چه اشکال دارد یک تعداد از افراد

فدای مملکت بشوند.

انتخاب - باید بشوند.

مظهری - همه چیز مملکت را برای خودشان میخواهند و هیچ چیز به مملکت نمیدهند و آن وقت

میگویند ما وطن پرستیم زهی تأسف، وقتی دیدم که ناله ها به مجلس کشید و فریاد شد با آن مانور که همه شما شاهد

بودید در مجلس را هم بستند. (همه مه و اعتراض نمایندگان)

آستانه ای - مجلس تعطیل تابستانی داشت، چه گناهی کرده ایم که وکیل مجلس شده ایم؟

پزشکپور - گناه شما اینست که وظیفه تان را انجام نمیدید.

رئیس - اجازه بفرمائید ناطق صحبتش را بکند.

مظهری - هر چه فریاد کشیدیم، التماس کردیم به نتیجه نرسیدیم (یکی از نمایندگان - بگذارید به صحبت مردم ایران.

هایشان ادامه بدهند).

مظهری - اگر می گذاشتند بکار خودش ادامه بدهد آن مطالب در مجلس مطرح میشد و من و شما که

نمایندگان ملت هستیم حرف هایمان را میزدیم.

راه دوری نمیروم این دکتر باهری این جاست مطالبی داشت که در حزب گفتند برو بخواب حزب هم مال

ماست و متظاهرين در حزب هم نگذاشتند هیچ کس حرف بزند.

محمد پارسا - چه سوء استفاده هائی که تودر حزب ایران نوین نکردی آقای مظهری توحزب ایران نوین

را به بدبختی کشانیدی و در آن جا هم چپاول کردی.

دکتر سواد کوهی - آقای پارسا بنشین سراجایت، چرا نمی گذاری حرفش را بزند.

محمد خانلو - آقای مظهری چرا بی قانون حرف میزنی عوام فریبی نکن.

اسحق نژاد - بنشین بگذار حرفش را بزند.

محمد خانلو - تو بنشین حرف نزن.

اسحق نژاد - خفه شو، بنشین، بی شعور - برو گمشو (زنگ ممتد رئیس).

رئیس - آقای اسحق نژاد چرا اهانت میکنید اگر بیش از این شلوغ کنید ناچارم از جلسه بیرونتان کنم.

اسحق نژاد - به این یکی هم بفرمائید.

مظهری - شما مجلس را تعطیل نکردید دولت تعطیل کرد، چه کردید که مردم خشمگین شدند،

چپاول، غارتگران تجاوز به حقوق مردم و بیت المال مملکت، زرق بازی و زورگوئی و ایجاد خفقان با همه

لج بازی کردند، حتی با روحانیت مملکت لج بازی کردند وقتی گفتیم اینها چی هست در تلویزیون نشان میدید،

جشن هنر شیراز و آن مسئله را راه انداختند یعنی دهن کجی به روحانیت، میخواستند چه بکنند؟

دکتر طبیب - دهن کجی به فرهنگ ملت ایران.

رئیس - آقای دکتر طبیب من به شما تذکر میدهم این تذکر اول.

مظهری - کارمندی به وزیر کشاورزی وقت نامه نوشت که مدیر کل من به من دستور داده که این گندم را به

۲ برابر صورت مجلس کنم، لیکار کنم شما فکری بکنید، وزیرش در جواب نوشت باین کارمند فصول بگوئید که اگر

حرفش را تکرار کند برای همیشه منصل میشود.

خانم صنع - این بی وجدانی یک شخص است نه همه مردم ایران.

مظهری - در یک شهر کوچک یک ملا جلسه دوره فرائت قرآن درست کرده، یک ژاندارم رفت میج اورا گرفت و گفت که این لانه فساد است، در زلزله ززند کرمان آقای نهاوندی رئیس دفترعلیاحضرت شهبانو شاهد بودند وقتی شهبانو و اعلیحضرت تشریف فرما شدند من همه چیز را عربان کردم و خود ایشان واسطه شد، وگفتم که فقط دیروز ظهر بمردم غذا دادند، لباس دادند، سپاسگزاری و تجلیل کردند یک روحانی و یک عده از مردم آمده بودند آنجا و جنس از همه جای مملکت سرازیر شده بود، میدانید چه شد، گفتند به آن مرد روحانی حق نداری به زندی بروی گفته شد آقا ما خانه ها را دو ماهه میسازیم و تحویل میدیم نقشه و نظارت از شما، گفتند بروید بگویم، حق ندارید اینجا بیایید من آن شخص را به مولا علی نمی شناسم ولی چه اشکالی داشت اگر نظارت و مشارکت میکرد مگر صحبت از مشارکت نمی کنید چه مشارکتی از این اصل تر، اگر مردم نمی خواهند پوشان را به شیرو خورشید سرخ بدهند، خوب بگذارید به هر کس که میخواهند بدهند، وقتی میگویند که حتما بدهید حکومت ۲۷ ساله شیروخورشید نمی گذارد و اطمینان به مردم ندارد، چرا کم شوند؟ می خواهند مشارکت بکنند مگر مشارکت چه است، شعار است، من یک نکته معتزله عرض می کنم دیروز یکی از دوستان گفت حکومت ملوک الطوائفی ازین رفت منم تأیید میکنم ولی متأسفانه باید بگویم که حکومت های ملوک الطوائفی دیگری جانشین شده، دولت در دولت بسیار داریم که هر کدام برای خودشان یک سازی می زند آقای وزیر بهداری شما مسؤل یمه هستید یا شیروخورشید با سازمان شاهنشاهی یا ع جای دیگر، برای چه این کار را می کنید، تا حرف زدیم گفتند در این حرم ها نمیشود رفت. چرا نباید گفت و چرا باید پنهان کنیم؟

محمدپارسا - آقای مظهری شما که در دولت حزب ایران نوین.....

عده ای از نمایندگان - بنشین، مطالبش درست است بگذار حرفش را بزند.

مظهری - جناب شریف اسامی در ززند کرمان ذوب آهن آمد رفت است آنجا یک ماشین زغال شویی گذاشت بدون مطالعه آب های زیر زمینی، دیدند که آبش کم است گفتند اگر آب چاهها فروکش کرد مردم این منطقه حق تجدید ندارند و اگر قناتشان خراب شد حق تعمیر ندارند من در اطاق رئیس برق منطقه ای گفتم آقا این هامال مملکت

است، ثروت مملکت است گفت بدرک.....

بکنفر از نمایندگان - اعلام جرم کنید.

مظهری - ما میخواهیم یک فکری برای دولت در دولت بکنیم، بخدا قسم اینها مردم را بعصیان واداشتند، مردم فریادهایشان از این تجاوزها وحق کشی ها بلند است آخر چطور میشود تحمل کرد یک آدم که ۲۰ سال زحمت کشیده یک باغ ۲۰ ساله درست کرده چطور تماشا کند که این باغ خشک بشود، چرا؟ چون یک دستگاه زور میگوید بنظر من اگر این آدم سرش را به دیوار نکوبید انسان نیست (صحیح است) باید بگوید، چون بعصیان وادارش کرده اند یا باید خود کشی کند، چه کند؟ این مطالبی است که واقعت دارد من از دولت سؤال کردم، بعد هم گفتند ما تقصیر نداریم این خواست آقای مدیر عامل ذوب آهن است وزیر میگوید، این را کجا بگویم اینها مطالبی است که میگویم این جاو نامه هایش را دارم، من بدنبال آقای وزیر اوقاف میگردم همین دیروز یک نامه سراپا پراز عصیانیت بمن نوشته اند که چرا حاجی های کرمان را حمله دار تهران باید بیاید ببرد (صحیح است) اگر حمله دار با صلاحیتی سراغ ندارید بروید پیدا کنید، اگر هست چرا اینطور می کنید اگر کاسه ای زیر نیم کاسه نیست چرا اینطور عمل میکنید؟ سه سال پیش راجع به سازمان زنان در کمیسیون بودجه یک ساعت صحبت کردم و آن تهدیدها را شنیدیم مگر چی گفتم مگر من گفتم زن را باید بپرید به محفظه، مگر ما نگفتم بنام سازمان زنان این کارها را نکنید خلاف اصول و انسانیت و آزادی است چه کار داریم بزنان آنکه میخواهد چادر سربکند، میکند آنکه نمیخواهد نکند مگر کم هستند در دنیا کسانی که خیلی درس خوانده اند، لباس محلیشان را میپوشند اینهم یک لباس محلی است قبول کنید چرا کاری میکنیم که فرهنگ ما با سنت ما اخت ندارد، چرا کسانی را میگذارید که خودشان شایستگی ندارند و مورد قبول زن ایرانی نیستند وقتی این کار را میکنید نتیجه اش این هاست، وقتی مردم را عصیانی میکنند یک مدت مبارزه منفی میکنند یعنی بی تفاوتی میکنند من بی تفاوتی را بان مفهوم قبول ندارم، مردم ما یکی از مبارزترین مردم دنیا هستند و در طول تاریخ این مبارزه را کرده اند ولی آنها نیکه نمیتوانند مبارزه کنند سکوت میکنند ولی در موقع سکوت خودش را میسازد، نالساهاش را فریاد میکند

و به موقعش داد میکشد، (صحیح است) دو قرن حکومت اعراب نتوانست این مردم را بزنانودر آورد برای اینکه در زورخانه ها خودشان را ساختند، بی تفاوتی ملت ما یک گونه سازندگی است منتها سازندگی در درون است، صحبت از تثبیت قیمت ها کردید نمایش ها بر پا کردید زنان و دختران و مردان را بسیج کردید برای مبارزه با گرانی ولی نتیجه اش این شد که دکان دیگری در کنار دکان دیگر باز کردید برای چپاول مردم و هم صنفی را ناراضی کردید هم مصرف کننده را و هم تولید کننده را، تولید را با این آوردید اینهاست درد مردم، اینهاست که مردم را به عصیان و امیبارد تا چه حد تا کی میشود تحمل کرد و بعد هم برای چه تحمل بکنند؟ برای زندگی خفت بار؟ چقدر تحمل کنند؟ بالاخره روزی به تنگ می آید این سه چهار روز می شنویم که دولت می خواهد پول شرکت واوان را به مردم پاک باخته بدهد (د کترطیب - فریب است) ولی چرا دولت باید این تاوان را بدهد آنها نانی که سهام را فروختند و خوردند و بردند این شایعانی که توی مردم هست چیست؟ هر کس هست بگیرد تسلیم عدالتش کنید، به چه علت چپاول کنند و ببرند بعداً دولت بیاید و از جیب ملت تاوانش را بدهد برای این که مردم طغیان نکنند، این درست نیست این مریض را معالجه کنید مسکن ندهید، معالجه کنید، این مریض را می مسکن ندهید این مسکن ها معتادش نمی کند جامعه ایرانی معتاد نمیشود، سکوت می کند ولی در خودش، خودش را میسازد، از نمونه این شرکت ها بسیار است به حساب همه اش برسید هر که با نه اش قهر کرده رفت تا بلو زد دیدم در تلویزیون که می پرسید چرا رفتی پولت را دادی ولی چه بکنند، خانه ندارد فرشتش را میفرود و پیش قسط میدهد این تبلیغات را در تلویزیون و روزنامه چرا اجازه میدهید بگویند و بنویسند که برای آن کارگر کشاورز بیچاره فریبنده است وقتی که مینویسند در اجرای سیاست مسکن دولت، والله منم ممکن است فریب بخورم تا چه رسد به آن ها به حساب همه اینها برسید یکی دوتا نیستند هر که دلش خواسته چپاول کرده و پول مردم را گرفته همه این پولها را دولت باید بدهد ولی نه از بیت المال، از حلقوم اینها باید بکشید بیرون (صحیح است - آفرین) این همه شرکت تعاونی درست شد شما تأیید میکنید جز یک مشت تا بلو که بر جاده ها گذاشته اند کدامینش واقعی است من خودم با استاندار شهر خودمان رفتم به دهی و به یک شرکت تعاونی سپاهی که یک جوان شجاعی بود آمد جلو گفت

آقای استاندار قبل از این که شما بیائی یک وانت آوردند و این جنس ها را ریختند این جا و حالا که می روی می برند و برای اثباتش هم گفت که صورت فروشش را بیاورید، میدانید جواب چه بود؟ گفتند که الان فروش ما بدون نوشته است. آقای شریف امامی درد مردم روستاها این است، بنام روستاها اعتبار تصویب کردید من این را دو سال سه سال پیش هم گفتم اعتبار مطرح تصویب کردید به مقاطعه دادند تحویل موقت گرفتند چطور به این روستائی بگوینم عصیان نکن و چطور به او بگوینم که پایبند اصول باشن، امضاء هم از او میگیریم و بعد می گوینم حرف نزن هیچکس توی این مملکت دزد دوست ندارد هر کجا باشد اگر بحریم دیگران تجاوز کرد باید مجازات شود هر کس که می خواهد باشد اگر به قانون تجاوز کرد باید مجازات بشود و باید تسلیم قانون بشود (صحیح است) بنام این و آن هر چه بخواهند می کنند هر جا شرکت است هر جا مقاطعه است پایشان را می کشند وسط چرا مردم را تهدید می کنند؟ چرا زمین را که روستائی می خواهد نمیدهند؟ و از دستش می گیرند و کاخ می سازند بله جلوی دید مردم در کنار شاهراه ها کاخ می سازند، این کاخ خاری است توی چشم مردم این کاخ هائی که ساختند توی چشم مردم می رود این زمین های ملی شده که از کشاورز گرفته اند و کاخ ساخته اند، اگر فکر نکنید، این کاخ ها را بر سر ما خراب می کنند، (متولی - آفرین مظهری) این واقعت تاریخ است هر کس این واقعت ها را قبول نکند دشمن مملکت است (صحیح است - آفرین) (چند نفر از نمایندگان - همه قبول دارند) صحبت از حکومت ملوک الطوائفی بود این جی هست؟ وقتی که استاندار به خودش حق میدهد که هر کاری که خواست یا می خواهد، بکند حتی تا صحبت قانون را را می کنند بگویند «من قانونم» این دشمن مملکت است این دشمن رژیم است این دشمن استقلال است چرا اجازه میدهید این کارها را بکنند چرا این کارها را استاندار به خودش اجازه میدهد که بکند، چرا به خودش اجازه می دهد به اعضای انجمن شهری بگوید خبرنگاران را به جلسه راه ندهید آنها بگویند آقا این قانون است و سه سال و سه سال است در قانون آمده که خبرنگاران را راه بدهید اگر خاطرتان باشد تلاش کردیم و اصلاح کردیم که بگذارند خبرنگاران بتوانند داخل شوند، بعد می گوید قانون من هستم، کمی می گوید دعوت بکنید این چه مجتمعی است، چه انجمنی

می افتادم، چطور مملکتی است چطور به این بابا بگویم که تو وطن پرست باش وطنی که ما روی سرش خراب می کنیم .

مظفری - وطن غارتگران است .

مظهری - بنده به یک نکته معترضم و آن راجع به شهر خودمان است جناب شریف امامی که بارها هم گفته ام اگر آدم دوتا بچه داشته باشد ولی یکی از آن ها علیل و عقب افتاده باشد، برای این بچه احتیاج به یک طبیب حاذق تری دارد، متأسفانه شهر ما، شهر کرمان فعلاً آموزشگاه شده است هر کسی را که می خواهند فرماندار و استاندار و شهردار بشود میفرستند کرمان و در آن جا مثل یک دوره آت اگر به جیب زد و خورد و برد که خوردند و بردند باید ۲ سال توی سر خودمان بزنیم ولی اگر دیدند آدم بدر بخوری است فوری میروید به اصفهان و شیراز البته بعد از ۶ ماه و خیلی فوری او را می برند آقا جان این ها درست نیست، این ها رادر موقع طرح برنامه دولت آموزگار هم گفتم که فکر نکنید مردم نمی فهمند مردم همه چیز را میدانند و خوب تشخیص میدهند من آن روز پیش علیاحضرت بودم و جناب نهایندی هم بود گفتم که این مردم ساکت هستند ولی چشمانشان آشناسن است همه چیز را تشخیص میدهند و همه دزدی ها را و چپاول را درک می کنند و اگر نمی گویند دلیلش برای این نیست که نمی فهمند والله آنها را نفهم فکر نکنید تا زمانی که برای این مردم ارزش قائل نشوید تا از حکومت قانون بطور واقعی وزیر دادگستری تمکین نکند ولی از مردم بخواهد که تمکین بکنند عملی نخواهد بود چطور ممکن است بگوید که من تمکین نمی کنم ولی تو تمکین بکن، آن استاندار که قانون را اجرا نمی کند چطور بخودش اجازه میدهد که مردم بگوید قانون را رعایت کنند (صحیح است) حتماً نمی کنند، یک مقدار از هرج و مرج ترافیک و مسائل مختلف اجتماعی که مردم اعتراض می کنند و کاری نمی توانیم برایشان انجام بدهیم مربوط به نارضایتی ها است اگر خودمان خطا کار باشیم وقتی مرشد های جامعه خطر کار باشند، چرا من خطا نکنم وقتی که به ما تا آدم اجازه میدهند که بروم خارج از محدوده آنهم تحت چه عناوینی کاخ می سازند و هزاران نفر که در اطراف کار می کنند و زمینی دارند می آیند و از آنجا عبور می کنند چه بکنند، شب که می رود خانه اش برای بچه اش نقل می کند و آن بچه فردا می آید به دانشگاه، عصیان می کند، چرا دانشجویان عصیان می کنند؟، ۱۰ سال، ۱۸ سال در

است که مخبر نیاید تو، برای این که آقای استاندار و فرماندار و مالک میخواهند که بروند و بنشینند و هر چه او دیکه کرد آنها امضاء کنند وقتی خبرنگار هست خجالت میکشد، گرچه وقیح تر از آن هم شده اند که از خبرنگار خجالت بکشند ولی بهر حال اینکار را میکنند بعد میخواهند که این انجمن ها را مردم قبول داشته باشند آخر چطور قبول داشته باشند (آفرین) اینها که در بین مردم پایگاهی نمیتوانند داشته باشند پول را میدهند به انجمن و همه این مسائل را میگویند و می نویسند و امضاء میکنند من همه این مطالبی را که میگویم مستند است همه را اگر بخواهید مدرک ارائه میدهم چرا یک مسئول اداری، من جناب شریف امامی به این اصل معتقدم که کسی را که مردم قبولش ندارند اگر چه پیغمبر هم باشد، باید برود کنار آن چه را که ما گفتیم و کردیم در این چند سال چرا بحثش نیست، برای اینکه در اندیشه مردم جای نداشت برای این که مردم از نظر اندیشه در آن مشارکت نداشتند، آن بابا میگفت من آب میخواهم، به زور بردیم و گفتیم آب میخواهی غلطی کنی آب را ندادیم و برایشان حمام ساختم و گفتیم که میسازیم بعد حمام را ساختم، آب نداشتیم که تویش بکنیم (دکتر طبیب - در حقیقت خشکشویی است)، حالا آن دیگر حمام نیست و آن حمام تبدیل شده است به طویله، این چه زمستانی است به این زمستانی چه باید بگوئیم، آخر این چه کاری است که میکنید؟ چند سال شهردار تهران حکومت کرد، چه کرد با مردم این شهر، در حالی که هر چه خواستند کردند حتی در خارج از محدوده (یکی از نمایندگان - به از ما بهتر و آن اجازه دادند خارج از محدوده بسازند) ولی خانه ها را بر سر مردم خراب کردند و مردم زیر آن مردند من این حرف ها را سه سال پیش زدم، پیشنهاد کردم بودجه شهرداری را تصویب نکنند، (رئیس - بفرمائید من هم باشما هم عقیده بودم) فقط در آن موقع شش تارای ما من بود کار دیگری نمیتوانستیم بکنیم ولی متأسفانه رأی موافق بیشتر نبود. آقای رئیس اگر بنا باشد اسم ببرم باید اسم همه را ببرم من با این مردم چه بگویم، با مردمی که نمیدانند ولی من چون خودم نداری و فقر را درک کردم و از صفر شروع کردم و میفهمم درد چیست. میدانم آنکسی که یک اطاق دارد و به خانه اش را روی سرش خراب میکنند چی هست؟ بخدا قسم اگر من بجای آنها بودم، با چوب و دندان بجان آنها

مکتب خانواده اش از تبعیض، از نابرابری و چپاول و ظلم از پسر و پسر و پسر است آنجا که میرسد فضا را برای طغیان باز می بیند امکان ندارد تا این مسائل را حل نکنند دانشگاه آرام بشود فرزند آن خانواده ای که آلودگی برای خودش ساخته و آمده اند با بولد زر روی سرش خراب کرده و مادرش را کشته اند اگر بیاید به دانشگاه چه کند اگر به همه چیز نتازد، بنظر من مریض است چون ما وادارش کردیم که عصیان کند چون هستی او را گرفته ایم و بدین کرده ایم و چیزی هم برایش باقی نگذاشته ایم من آرزو میکردم دکتر عاملی در این صف بود و آن تحلیل قشنگی را که در زمان آموزگار کرد میباید اینجا و میگفت و تحلیل می کرد که چرا این دولت تشکیل شد، متأسفانه آن بیان را من ندارم، همان روز اینجا گفت که شما نیامدید که راه پیشین را ادامه دهید و امروز شما را آورده اند دو مسأله مطرح شده که باید بان توجه کنید بجای مرهم گذاردن بزخم مردم خفقان را بیشتر کردید و زنجیرها را محکم تر کردید، سلول های انفرادی را گسترده تر کردید از آن طرف هم نمایش آزادی دادید، مبارزه با فساد را چنین قشنگ به حرف برگزار کردید و آن دادگاهی که دیدید و آن مطالبی را که شنیدیم آنها تیکه ساعتها در رادیو و تلویزیون و در مطبوعات از قول بازرس شاهنشاهی توشند و دزدیدند و بردند و تبرئه شدند و شب هم در هتل هیلتون پیرویشان را جشن گرفتند و به ریش همه ما هم خندیدند، و ریش قانون مملکت هم خندیدند، اگر اینکارها نمایی است ترا بخدا نکند تا اینکارها را نکرده یک مسأله دیگری است ولی وقتی که دزد را گرفتید و یک مارک زدید ریش و بعد که تبرئه شد مردم چه خواهند گفت؟ جامعه واقعتاً را می بیند و لمس می کند، یک کارمند که با شرافت سی سال کار کرده و زندگی کرده نمی تواند یک آلودگی برای خودش داشته باشد وقتی کاخ های متعدد و ولخرجی های مختلف را می بیند آن دیگر هر چه شما برایش پرونده بخوانید قبول نمی کند زیرا واقعتاً را لمس می کند اگر چیزی نیست و اگر مدرکی نیست نکنید، این کارهاست درد مردم. ضمناً چون دوستان عنوان کردند راجع به سیمان عرض کنم که سیمان را در فروردین گذشته ۴ تومان اضافه کردید، در اسفند سال گذشته دولت اعلام کرد که از شرکت سیمان از سود خالص ۳۰ ریال غیر از سپرده ها و چیزهای دیگر با اضافه چهار تومان هم که ۱۴ فروردین اضافه کردید میگیرند مگر چقدر مالیات

میگیرند اگر از این ۷۰ ریال ۶۰ ریال مالیات میگیرند ما روی سر میگذاریم ولی چرا اجازه چپاول میدهید؟ چرا اجازه میدهید که این بازی مونتاز را راه بیندازند و به این وسیله مملکت را غارت کنند آنوقت روزنامه ها می نویسند آقا صد میلیون تومان به زنش باج میدهد که زن مجدد بگیرد. از محل این مونتاز میدهد و آن وقت آقای وزیر دارائی هم اعلام میکند که باید از این پول مالیات گرفت (خنده نمایندگان) خنده ندارد به این حرفها باید گریست (صحیح است) مملکت را تیول یک عده کرده اند که نه ایمان دارند و نه وطن دارند فقط می خواهند چپاول کنند و بگذارند و بروند ولی ما در این مملکت سیمانیم و اگر پای استقلال مملکت باشد جان هم میدهیم (صحیح است).

پزشکپور - خیلی ها گذاشتند و رفتند.

مظهری - من اینکار دولت را که اجازه داده مطالب مجلس منتشر بشود اگر چه بنظر من مسائلی دارد ولی بهر حال تقدیس میکنم و از وزیر اطلاعات سیاستگزاری میکنم. ولی دلم میخواهد این تفریط مسأله ایجاد نکند. و نگویند که مثلاً نماینده فلان شهر این چنین صحبت کرد و دیگری آن چنان. ولی خوب است که مسائل مملکت را که از زبان نمایندگان مملکت عنوان میشود در اختیار مردم بگذارید. بگذارید مردم داوری کنند که مجلس ایران چه میکند اگر گذاشته بودند حرفهای من و شما منتشر شود کسی زیر پرچم دیگران نمیرفت ولی وقتی مهر خفقان به مجلس زدید مردم از کجا بدانند که در مجلس چه میگردد؟ وقتی دوست من به من میگوید چرا فلان حرف را ننگید؟ من از مردم عادی چه توقعی میتوانم داشته باشم اگر فرصت میدادید مردم نارضی حرفشان را بزنند جامعه یک دفاع طبیعی داشت شما هر قدر سرنیزه را حاکم کنید این نتیجه ندارد. اگر داشت من اولین کسی بودم که موافق بودم. شما یک بیچاره را تقویت کنید تا قدرت طبیعی بدنش بتواند در مقابل بیماری دفاع کند و اگر قدرت دفاع طبیعی بدن کم شد سم که وارد بدن بشود آنوقت سلولهای طبیعی بدن می میرند وضعی در این مملکت بوجود آورده بودند که هر کس حرفی میزد میگفتند وطن فروش است هر کس انتقادی میکرد میگفتند عوام فریب است و بدخواه است اینطور به نتیجه نمیرسیم و آن چپاول گرانی که رفتند و میروند اینها نمی توانند نظام ملی مملکت را حفظ کنند

رئیس - آقای مظهری و ت شما تمام شده است!

چند نفر از نمایندگان جناب آقای رئیس چند دقیقه

دیگر اجازه بدهد تا صحبتشان را تمام کنند.

رئیس - بفرمائید ادامه بدهید.

مظهری - بهتر ترتیب شما در اولین روزهای حکومتان مشت گره کرده خود را به سینه مردم زدید و کردید آنچه را که نباید میکردید. بجای پیشگیری به مردم تیراندازی کردید و من هیچکس را جز دولت مسئول نمیدانم. مسئول حکومت نظامی دولت است و این را که روزنامه ها نوشتند که دولت از این وضع ناراحت است قبول ندارم قانون اساسی را بخوانید همه شماها تک تک در مقابل ملت و در مقابل مجلس مسؤول هستید. من رو در رو قرارداد انارش و مردم را مصلحت نمیدانم. مردم و ارتش همیشه دوشادوش هم از این مملکت پاسداری کردند رودر روی هم قرارداد ان مردم با ارتش آرزوی دشمنان ایران است برای این اساس است که من توفیقی برای دولت شما نمی بینم و ناگزیر رأی کبود خودم را تقدیمتان می کنم و در پایان سختم میگویم که این سخنان از زبان دل یک ایرانی است که با دستگیر نمایندگان مردم ایران را بدوش دارد. و من بعنوان یک منفرد سخن میگویم به هیچ گروه و دسته و حزبی وابسته نیستم و برای پاسداری از این مملکت بی ریا آنجا که لازم باشد از جان خود هم بیگذرم و سخن امروز خود را با این چند بیت بیابان می برم.

هزار درد نهان هست و جای زاری نیست

که دم ز غم زدن آئین راز داری نیست

اسید مردمیم سوی این دیار آورد

دریغ و درد که جای امیدواری نیست

در آن دیار که زاغ و زغن هزارانند

مجال دم زدن بلبل بهاری نیست

اگر به نعمت آزادگی گرفتاریم

چه غم که گرغم جان هست شرمساری نیست

سلامت و سر ناسازگار من هیهات

که تاب سوختنم هست و سازگاری نیست

(احسن - احسن)

رئیس - آقای دکتر رئیس بفرمائید.

دکتر رئیس - ریاست محترم مجلس شورای ملی، همکاران عزیز مطالبی که قبل از من چه توسط مخالفین و چه توسط موافقین دولت گفته شد فکرمیکم مرا از گفتن خیلی از مطالبی نیاز کرد آنچه می بایست گفته شود در این ساحت مقدس بارها مورد انتقاد قرار گرفت و گفته شد جناب بنی احمد دوست عزیز و دانشمند من ضمن و مایشتان یک روز در مجلس فرمودند که ضمن

استیضاحی که در مورد دولت کردم. از دکتر رئیس گله می کنم خدمتشان با نهایت ادب و احترام عرض کردم و هنوز هم بر آن عقیده استوار هستم که آن استیضاح از دریچه چشم من لااقل بصلاح مردم و مملکت نبود و اعتقاد داشتم که جناب آقای دکتر آموزگار مردی هست صریح البهجه، درست، و وطن پرست و بایشان دل خوش کرده بودم.

دکتر برومند - ولی عدهای قائلان اطرافش بودند.

دکتر رئیس - درهر حال هیچ کس نمی تواند ادعا کند که از همه چیز مبرا است اگر قائلانها نبودند اگر بی وطنها نبودند اگر بی دینها نبودند این وضع هم برای ما بوجود نمی آمد پس بویید و کسی نمیتواند منکر شود. بهرحال جناب بنی احمد از مطلب خارج نشوم آن روز گله شما بحق بود یا به ناحق ولی حالا من از شما گله دارم و این گله در قبال مجلس است نمیدانم به حق یا به ناحق درست یا نادرست این طور

در روزنامه ها خواندم که حضرت عالی که بنده اطمینان کامل دارم که نماینده بحق مردم تبریز هستید پیشنهاد انحلال مجلس را کرده اید. چرا؟ این مجلس، مجلس خوبی است باور کنید این مجلس لااقل در اکثر حوزه هایی که من مطلع هستم از رأی قاطع مردم برخوردار است بیائید با مردم راست صحبت کنید و شعار ندهید و خودمان را وجه المله نکنیم من قصد گوشه و کنایه ندارم و خدای خودم را شهادت میگیرم که صحبتی که اینجا می کنم نمیخواهم جنبه عوام فریبی داشته باشد فقط به مطالبی تکیه می کنم که لااقل در منطق خودم قانع شده باشم و اعتقاد داشته باشم. ساده تر بگویم از دلم صحبت میکنم اما جناب آقای مظهری آن روزی که شما آتش بیار دولت بودید آن روزی که شما مدافع دولت بودید من هر چه که می بایست بگویم در خدمت همین جناب دکتر کنی گفتم آن چنان که نزدیک بود مرا کتک بزنند ولی من نه

ترك دیار کردم و نه خواهم کرد و باین نظام و به قانون اساسی و باین مملکت پای بند بودم و هستم (احسن). و از شما جناب آقای کنی تشکر می کنم که بها یاد دادید و از حضورتان تلمذ کردم. بخاطر دارم که بشهر کرد آمدید و بآن مردم غیور صحبت کردید. و بخاطر دارم که آن روز شما بهلشله فساد تکیه میکردید و امیدوارم امروز که در این مقام قرار دارید خدای نکرده ۱۸۰ درجه نچرخید و با فساد مبارزه کنید. و فکری بحال مردم بکنید من ایرانی هستم خودم و ز منم دوتا امتحان قبولی طابا در خارج داریم. ولی بخدای یکتا فکرش را هم نمی توانیم

بکنیم که از این مملکت برویم چون هر کجا برویم می توانیم زندگی کنیم ولی من توی کوچه و بازار اینجا دنیا آدمم و با این مردم زندگی کرده ام و باین مردم باید بمرم. و هیچوقت نمیتوانم برای این مردم قیافه بگیرم. (احسن) جناب پزشکپور من متشکرم که شما درد مرا گفتید آری من افتخار میکنم که برخلاف نظر دولت وقت با میل مردم به مجلس آمدم بله من از لیستی که حزب تهیه کرده بود حذف شدم پرسیدم چرا! گفتند، امر اعلیحضرت اینست گفتم اگر اینطور است من نظر اعلیحضرت را قبول میکنم ولی بعد مردم به من رأی دادند و انتخاب شدم و بعد از یکی از بزرگان شنیدم که خدمت اعلیحضرت رسیده اند و عرض رسانیده اند که این برخلاف نظر حزب و بدون اینکه حزب اعلام کند درآمده می پرسند این چطور آدمی است؟ میگویند یک دکتر است معظم له عصبانی میشوند و می پرسند چرا چنین شخصی را حذف کردید و نگذاشتید. اینها را بالصراحه میگویم.

اگر بعضی از سخنان من برای عدهای خوشایند نیست

معذرت میخواهم من از جناب مظهری هم معذرت می خواهم

که مجبور شدم نکته هایی را بگویم که ربط به خود من

داشت. بهرحال آنچه میگویم مسؤلیت آنرا هم قبول میکنم

و تا آخر پایش میایستم اما جناب شریف امامی من از

دریچه چشم خودم که بررسی میکنم که جنابعالی چه بودید

و چه میکردید در مجلس سنا که بودید چه لوایحی از نظر

شما صحیح بوده یا نبوده رد شده یا نشده؟ ولسی

بهر حال ما در یک سرهه زمانی

خاص قرار گرفته ایم و در عرض ۱۰ سال گذشته شاهد

مسائلی بوده ایم و شاهد نمایشهایی بوده ایم که هر ایرانی

از خود می پرسد چه خواهد شد بکجا خواهیم رفت و کدام

دستگاه ارگانیزه میخواهد در این سروضدها حکومت را

بدست بگیرد و حکومت میخواهد از نظریات کدام

اکثریت یا اقلیتی از مردم در آینه استفاده کند این

مطلبی بود که مردم همیشه از خود می پرسند و مردم

وطن پرست نگران هستند این مردم که قشر عظیمی را

بدنبال خود میکشیدند بنظر من مردمی بودند که هیچ چیز

به آنها نمی چسبید بدون اینکه بگویم اینها مار کسبست بودند

یا نه؟ بهر حال عدهای بودند که تعداد خیلی آنها را

رهبری میکردند و روزی که حکومت نظامی اعلام شد در لیست

نشسته شدگان من اسم کسی از این لیدرها را ندیدم پس

مسبب این کشتار شد؟ آریسا این درست بود که تظاهرات را رها میکردیم و میکذاشتیم همه چیز را بریند و بسوزانند آنوقت دیگر مجلسی نبود که آقای مظهری بتوانند اینجا صحبت کنند میدانید روز ه شنبه گذشته چه نقشه ای برای مجلس داشتند؟ نقشه ای بود که دیگر آقای مظهری نمی توانست پشت این تریبون شعار بدهد (صحیح است) و از رادیو و تلویزیون بخش بشود. آخر وقتی صحبتی از آزادی میکنم منظور چیست؟ منظور این نیست که هر کس هر کار دلش خواست بکند؟ آزادی الگو دارد و در دنیا آزادی خونها دارد. آزادی باید با فرهنگ مردم تطبیق کند (احسن) آزادی از هرج و مرج جداست آنچه ما دیدیم اینها نبود. یک وقت فکر نکنید من نمیخواهم صحبت های مردمی را در اینجا بگویم. ابدأ بخدا سوگند که از ته دل صحبت میکنم. من اعتقاد کامل دارم که حتماً میبایست در مجلس اقلیتی بعنوان مخالف و بسیار منطقی باشد. و صحبتش را بکند من صحبت هایی را که این چند روز شد نمی توانم تخطئه کنم. من قبول میکنم تعدادی از حرفها درست بود و یک تعدادی مردمی بود و یک تعدادش آنهم از دریچه چشم خودش وقتی قبول میکند آدمی است وطن پرست سألها به وطنش خدمت کرده و مبارزه کرده از دریچه چشم خودش حتی آن حرف باب دل من نیست من قبول میکنم آقای پزشکپور شما بشنوید من حرفها را میزنم حتی در خلوت بمن گفتید که من اینها را میگویم که کار بنا راحتی های دیگر نکشد. راست است باید میگفتید ولی بیائید وطنی صحبت کنیم با شرایط روز و علناً صحبت کنیم هیچکس از حکومت نظامی خوشش نمی آید. هیچکس نمی خواهد آزادیش سلب شود ولی اگر نمی کردیم چه میشد آقای شریف امامی برای ما روشن کنید که چه نقشه هایی در کار بوده و از کجا آب میخورد آیا شما فکر میکنید آقای مظهری گفتمی و رفتی؟! گوش بدهید، یک ملتی را که سالها بحساب نمی آوردند بعد از مبارزاتی که کرد در آمدن نقش در سال به ۲ میلیارد رسید. این یک دفعه به ۲۲ میلیارد ریال افزایش یافت. قضاوت کنید آن کس که می خواهد این ۲۲ میلیارد را بدهد همانطور ساده می نشیند تماشا میکند که این پول بیاید برود در جیب ملت عجب چه دلش سوخته است! پسلاً تحریک میشود و اسباب زحمت میشود. ولی با این مستمسک را برای او راحت کرده ایم در همان دهه ای که گذشت من گفتم به دولت آقای آموزگار که من شدیداً به ایشان اعتقاد داشته دارم

بخی هم ندارد. ولی انتقادهایی نسبت به خودش دارم که به خودش هم گفته‌ام میبایست با مردم صحبت میشد اما من بیشتر بچشم در دهه‌ایست که گذشت اما این را مستسک قرار دادیم. درآمد سرانه ملت ایران در ۱۰ - ۱۵ سال اخیر متجاوز از ۱۴۰ دلار بود این رقم رسیده ۲۲۶۰ دلار هرایرانی از این جمله بچودش میباید (آفرین - احسن) اما جناب شریف‌امامی اشکال مانوی همین احستت بود. همین شد اسباب زحمت. همین پولی که با خون دل با این رهبری برای این ملت فراهم شد بدست کسانی افتاد که موجب زجر جامعه شد. اینهارا نیایند فقط تعریف کنید و سرتب بگویند که همه خوب هستند، آقای شریف‌امامی هم خیلی آدم خوبی است. راضی نشوید که من پیام اینجا و بگویم من با آقای دکتر نهاروندی از قدیم و ندیم آشنا بودم و ایشان را می‌شناسم اینها را دیگر نگویند بلکه بگویند آقا این گوی و این میدان! من اگر در جنبه موافق مشروط اسم را ثبت کردم فکر کردم در این برهه از زمان باید با مردم آشتی کرد، با اقلیت هم صحبت می‌کنیم و من بشما رأی میدهم، بشما فرصت میدهم. شما گفتید مملکت در خطر است. قبول می‌کنیم یادم باشد راجع به هزینه سرانه هم بعداً صحبت کنم (یکی از نمایندگان - همین حالا بگویند) بله، شما گفتید مملکت در خطر است، ما هم قبول می‌کنیم واقعاً مملکت در خطر است ولی شما گفتید که من معجزه نمی‌کنم اما ما از شما می‌خواهیم معجزه کنید. مملکتی که در خطر است باید کارهایتان مثل معجزه باشد. تا حالا هم در مبارزه با اسلاد بدنوده روی این قسمت‌ها باید کار کنید. وقتی مملکت در خطر است کی باید آن را نجات دهد که معجزه کند. معجزه چیست؟ چشم روی هم بگذارید. دوستی‌ها را نادیده بگیرید. این دزدها را بگیرید. از چیزی ترس آقای شریف‌امامی! در این کار دشمن پیدا می‌کنید بگذار بکنی. اگر می‌خواهی مرد تاریخ شوی. اگر می‌خواهی - این برهه از زمان بسا همکارانت کار کنی باید چشم روی هم بگذاری و خیلی چیزها را ندیده بگیری در اینجا نمی‌توانی بی تفاوت باشی. مردم همه چیز را می‌بینند و همه چیز را می‌دانند. کاخهایی که جلوی چشم مردم درست کردند و این مردم هر شب و روز از جلوی آنها رد می‌شوند چه می‌گویند؟ مردم اینها را می‌بینند و تنگناها را هم می‌بینند و شب با خودشان در خلوت میدانید چه می‌گویند؟! (یکی از نمایندگان - آقا اسم ببرید که صاحبان کاخها چه کسانی هستند؟) چشم

می‌گویم. من چند جمله اول صحبتم را از روی احساسات حرف زدم و حالا صدایم گرفته معذرت می‌خواهم. من یک روزی در یک کمیسیونی با یک آدم باشرفی که هنوز هم در رأس کار است، صحبت می‌کردم. هیچوقت نباید چوب را برداشت و همه را با یک چوب راند، آدمهای باشرف همیشه باید در مملکت جانی داشته باشند نباید کاری کرد که هر فردی از درستی خود پشیمان شود. بله، در آن کمیسیون گفتیم تیمسار این پاسبانهای که ماهانه هزار و دویست تومان حقوق می‌گیرند. اینها مثل مرغ اند مردم در عزا و عروسی اینها را می‌کشند شب تا صبح با این پول باید کشیک بدهند. از کی؟ از قیور و تروتمند باید این شخص دلستگی داشته باشد وقتی که می‌گوئی پاسبان! برای وطن، برای مردم. وطنت کمک کن. و زحمت بکش و همراهی بکن، می‌گوید کدام وطن؟ وطنی که من هم در آن سهمی داشته باشم، منی که هر کس بیاید مرا می‌زند و آزار میدهد، من باید دلستگی داشته باشم. در حقیقت راست هم می‌گوید. من آنروز گفتم تیمسار راه اینکار ساده است. این شخص که ماهانه ۱۳۰۰ - ۱۴۰۰ تومان حقوق می‌گیرد، ۷۰۰ تومانش را باید اجاره خانه بدهد، آیا با ۷۰۰ تومان بقیه می‌تواند زندگی کند؟ او در این مملکت وظیفه سنگینی دارد، باید به او کمک کرد. گفتم فرض کنید در تهران ده هزار یا پانزده هزار پاسبان است. فقط به اینها هر کدام صد متر زمین بدهید تا آنها خودشان بروند وام بگیرند و دوتا اطاق بسازند و چون همیشه که دعا می‌کردند با صدای رساتر دعا کنند. بعدها وقتی تحقیق کردم دیدم چنین زمینی در تهران پیدا نمی‌شود. می‌دانید برای چه؟ چون عده‌ای این زمینها را، دورتا دور تهران، با اسم خود ثبت داده‌اند من نمی‌دانم این زمینها را در شکم مادر ثبت دادند! اگر زمینی یافت نمی‌شود پس ده‌ها میلیون متر زمینی که در شهرک غرب آمدند از مردم گرفتند و جمع کردند و یک کاسه کردند از کجا پیدا شد؟ من نمی‌دانم این رقم درست پولش را به چه کسی دادند؟ اشکال بر سر اینست که اگر این پول توی جیب بانک میرفت باز هم می‌گفتیم فرجی است معذرت می‌خواهم صدایم گرفته (یکی از نمایندگان - آب بخورید آقا!) آب تاثیری ندارد، این از بی تجربگی من است که اول با صدای بلند صحبت می‌کنم (یکی از نمایندگان - آهسته تر صحبت بفرمائید!) خوب می‌دانید این زمینها را چه کردند؟ تعدادش را گفتند قبالتی

۲۰۰ تومان واگذار کردند. یک تعدادش را گفتند مردم بروند در بانک تحویل بگیرند متری ۲۰۰۰ تومان. یعنی زمین را در بانک می‌خرند متری ۲۰۰۰ تومان هم میدهند ولی پولش توی جیب بانک نمی‌رود. یکی از دکترهای دوست من تعریف میکرد که وقتی رفتم زمین را معامله کنم گفتند آقا باید بیاید، الان رفته‌اند، نیستند وقتی آمدند درست میشود. بالاخره بعد از مدتی متری ۱۰۰۰ تومان معامله کردند (یکی از نمایندگان - آقا چه کسی بودند؟) والله نمی‌دانم. آن دکتر هم از من پرسید که آقا کیست؟ تو که نماینده مجلسی هستی می‌دانی. گفتم بخدا نمی‌دانم و عقلم هم بجائی نرسید. بالاخره نفهمیدم این آقا کیست و چه مقامی است که در اینکار دخالت دارد و این زمینهای شهرک غرب را به قیمت‌های بالاتر می‌فروشد. یکی از خصوصیات من این بود که صدا داشتم، حالا با گرفتگی صدایم نمی‌دانم چی از آب در می‌آید - عرض کنم بعضی‌ها را یکی از اوزعاط رفته است روی من و گفته که برادرم چه نوشته‌اید دولت ایران قرار گذاشته زباله‌های اتمی کشورهای دیگر را بیاورد در مملکت مادفن کند. آخر چرا چنین چیزی را می‌گویند؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ واقعاً این حرفها را ننیزد!

پزشکپور - آقای رئیسی چنین برنامه‌ای است مگر اینکه توضیح بدهند برای مردم و مملکت خطری ندارد.

دکتر طبیب - چنین چیزی هست و من در این مورد رسماً به دولت نامه نوشتم.

دکتر تجدد - بله، این موضوع صحت دارد.

دکتر رئیسی - جناب دکتر طبیب من رسماً خدمتتان عرض می‌کنم. یکی از دوستان من هم صحبت کرد و در یک روزنامه هم من دیدم و فهمیدم چنین چیزی نیست. امیدوارم آقای شریف‌امامی هم بیایند بفرمایند که چنین چیزی نیست.

دکتر تجدد - ولی آقای دکتر هست، این برنامه هست.

دکتر رئیسی - عرض کنم که در خدمت آقای رئیس مجلس و عده‌ای از سناتورها و وکلا به میزبانی جناب دکتر طبیب، چندی قبل رفتم بوشهر.

سید الله‌الشار - کاشکی ترفه بودید!

دکتر طبیب - من میزبان نبودم سازمان انرژی هسته‌ای از نمایندگان دعوت کرده بود.

دکتر رئیسی - بهرحال شما محبت کردید و تشریف آوردید فرودگاه برای استقبال. در آنجا نشستیم و راجع به همین موضوع خیلی صحبت کردیم. بهرحال گفتم آقایان هر کسی چیزی می‌گوید و مطلبی عنوان می‌کند ما را روشن بفرمائید. باور بفرمائید مطالبی که گفته شد

همه ما را قانع کردند. من هم پیش خودم گفتم که عجیب اینها دلسوزی کردند برای مملکت. خوب، عین همین مطالب را می‌روند پیش اعلیحضرت بیان می‌کنند و می‌گویند که این مراکز اتمی برای مملکت واقعاً مفید است. بعد از مدتی که من با چند نفر آدم مطلع تماس گرفتم و همچنین مقالاتی که در این زمینه نوشته شد وقتی خواندم دیدم مراکز اتمی که در ایران است اکثر اسامی است یعنی بزرگتر از میزان معمول دنیا است که اگر یک قسمی از آن از بین برود نمی‌تواند از آن استفاده کنند. ولی اصولاً در مملکتی که گاز و نفت وجود دارد، در مالک خارج که ندارد ۲۰ درصد تکیه به انرژی الکتریسته‌اشان به اتم است در مملکت ما ۷۰ درصد است و من خلاصه خدمتتان عرض کنم که این یک سرمایه بسیار عظیمی را جذب می‌کند که نباید بکند، ما لازم نداریم با این توجهاتی که کردند اگر لازم داریم، جناب شریف‌امامی از آنها بخواهید که بیایند توضیح بدهند تا بشنیم و صحبت کنیم و بحث کنیم تا هر جا که لازم نیست درزش بگیریم. می‌گویند انرژی الکتریسته‌ای که از اتم بوجود می‌آید هفت برابر میزان معمول هزینه برداری می‌کند بخصوص که این مراکز بیش از بیست تا بیست و پنج سال نمی‌تواند دوام بیاورد. بعلاوه می‌گویند این مراکز اتمی که در ایران ساخته میشود در مقابل پنج تا شش ریشتر زلزله - در مملکتی که در خط مسیر زلزله قرار دارد - مقاومت ندارد در صورتیکه این در خارج تا حدود ۷ تا ۷/۵ ریشتر مقاومت دارد. اگر دولت‌های گذشته تا این حد عاشق مقاطعه کار نمی‌شدند این سیاست‌ها را مقاطعه کار تعیین نمی‌کرد و مسائل روشنتر میشد. یک روز در جائی بودم، مهندسی هم بودند. با حساب دو دوتا چهارتا ثابت کردند که مملکت ایران منابع گاز سنگینی دارد ولی بجای اینکه خیابانها را لوله کشی گاز بکنند بخصوص مردم ایران از سالهای گذشته با انرژی الکتریسته آشناست و در مقابل حوادث بیشتر با آن آشنائی دارد، چه اشکالی داشت که گاز را تبدیل به انرژی الکتریسته می‌کردند و از آن استفاده می‌نمودند و این دردسر را بوجود نمی‌آوردند. آقا این نفت ثروت بادآورده نیست. این گاز ثروت بادآورده نیست. بخدا بارها مردم در شهر کرد بمن گفتند آقا سهم من از نفت که ده نفر هستیم صبح تا صبح دویسکه نفت است این را مواظبش باشید، این را پنجاه چشمی نگاه دارید. تو آن را در مجلس نگاه دار. اگر آن روستائی به این

بیان و فرمول نکفت ولی در جملاتش اینطور استنباط میشدند میگفت از حق من و منافع من دفاع کن. می بخشید من سلسله مراتب را در سخنرانی رعایت نمی کنم. یک روز من در بودجه صحبت می کردم یکدفعه دیدم یادداشت ها جلوی من است و آقای رئیس گفت وقت شما تمام است. دیدم هنوز تازه از یادداشت های صفحه اولم صحبت کرده ام و بقیه حرفها مانده. حالا این علت بدی ناطق است ولی چون تابع احساس میشوم تنها قولی که بشما می دهم اینست که هر چه میگویم از دل من صحبت می کنم. آقایان! این مجلس، مجلسی است که من بآن اعتقاد دارم، هنوز هم به آن اعتقاد دارم و در خوبی آن شکی نیست، کی تا بحال جلوی صحبت کسی را گرفته اند. مگر هر وقت شما خواستید جناب پزشکپور، جناب بنی احمد، جناب ظفری و جناب دکتر طبیب صحبت بفرمائید کسی جلوی شما را گرفت؟ چرا تخطئه می کنید؟

ظفری - ولی همه حرفها در دل صورت مذاکرات مجلس مدفون شد.

دکتر طبیب - آقای رئیس هم بمن اخطار کردند که دیگر حرف نزنم.

دکتر رئیس - یکی از ایراداتی که می گیرید راجع به لایحه گذرنامه است. عجیب است اتفاقاً من آدمم اینجا توجیه کردم خودتان هم صحبت کردید و گفتید مغایر قانون اساسی نیست، ولی اشکال شما از جای دیگر بود. قانون دانان مجلس آمدند اینجا توجیه کردند که این با قانون اساسی مغایرتی ندارد. مگر لایحه گذرنامه که تصویب شد چه بود؟ عده ای از خدا بی خبر که اکثریت با آنهاست و البته عده کمی هم وطن دوست که مریض هستند و یا مجبور بمسافرت خارج هستند، می خواهند کوچ کنند و بروند به خارج. اگر اینها هزار تومان زیادتر بدهند و این پول ریخته شود در صندوق بیت المال، چه ایرادی دارد؟ البته یک ایراد خواهد داشت و آن در صورتی است که حیف و میل شود. در مورد لایحه انتخابات فرموده بودید. کو؟ کدام لایحه انتخابات؟ اصلاً بطور میشود این لایحه را درست کرد؟ ما باید در مورد این لایحه حرفها بزنیم و نظرات داده شود تا بتصویب برسد. خیلی لوابخ خوب هم در اینجا از تصویب گذشت، خیلی کارهای خوب هم انجام گرفت. گفتم که من وظیفه ندارم از خوبیا صحبت کنم. از آقایان معذرت خواستم و اجازه بفرمائید این حرفها زده شود. آنچه را که من اینجا می گویم مردم با پیچ پیچ می گویند، فکر نکنید اگر اینها گفته میشود ایجاد در دسر

می کند. این اعلامیه حضرت آیه الله العظمی شریعتمداری است. من آنچه بابشاهان ارادت داشتم در این چند روز بیشتر شد مخصوصاً اعتقادی که ایشان به قانون اساسی دارند. در این اعلامیه فرمودند من عزادارم بله، منم عزادارم، ما همه عزاداریم، آقای شریف امامی هم عزادار است. ملت عزادار است. هیچکس از کشت و کشتار خوشش نمی آید. ولی باید گفت در این موقع چه باید می کردیم. پای من دارد قانقار می گیرد. اگر پایم را ببرند نمی توانم راه بروم ولی اگر نبرند دیر یا زود این مرض به قلبم میزند و مرا از پای در می آورد. اگر این آتش سوزیها تکرار میشد و اصفهان و تهران را به آتش می کشید و یا مملکت به آتش کشیده می شد من بعنوان یک تماشاچی چه می کردم؟ عمل آتش سوزی، مثل مرض قانقار است. اگر پارا میبریم بخاطر اینست که سلولهای گندیده به قلب ما نرسد. این سلولهای گندیده قلب مرا از بین میبرند.

ظفری - آقای دکتر: این سلولهای گندیده همان غارتگران و چپاولگران اموال مردم بودند !!

دکتر رئیس - بله، غارتگران اموال دولت و ملت بودند ولی شما در این راه پیمانیها شعارها را دیدید؟ از دیدن آن بخود نلرزیدید که ملت ایران دارد بکجا میرود؟ ای داد بر من! اینجا جای بحث دارد که عجب دستهایی در کار بود، عجب درآمد سرانه ای میان مردم تقسیم کردند. شخصی بنام رهنما، من او را نمی شناسم، کتابی نوشته بود بنام در راه تندرستی در زمان دولت هویدا که البته زحمت کشیده بود و در آنجا ارقامی را ذکر کرد بود، البته من آمار گر نیستم و آمارش هم درست یادم نیست ولی وقتی با حساب سرانگشتی حساب کردم دیدم بدنگفته است. نوشته بود ۵/۷ درصد ملت ایران ۹۰ درصد از حق قانونی مردم را میبرند. یعنی یک اقلیت کوچک، اکثریت مردم مملکت را می چابند و میبرند جناب ظفری من این را با شما موافقم. من هم موافقم که باید جلوی این عدم تعادلها گرفته شود و باید تعادلی از نظر سرمایه ها در جامعه برقرار گردد اینها سیستم جامعه ما را بهم می زند. باید جلوی این بی ضابطگیها و بی اعتقادی که در مملکت بوجود آورده اند، گرفت. بی برنامه ای و بی ضابطه ای بنیاد ما را از بین میبرد والا تنها بردن پول نیست، اینهاست که ایجاد نارضایتی و ناراحتی و دزدی می کند جلوی اینها را باید گرفت. این بود که من از جناب شریف امامی خواهش می کنم یک

فداکاری بکنید. بخدا شما یک فداکاری کردید که این کار را در این شرایط قبول کردید خیلی مشکلات زیاد است. آن زمانی که نشستند و با رویهم انداختند و یک پروژه چند میلیون تومانی را با خنده و شوخی رد کردند، گذشت، این کارها را کردند که دمل های چرکین در مردم بوجود آوردند. این دملها را در این مدت ۱۲ ساله دولت ها بوجود آوردند، باید اینها را شکافت اگر نشکافتیم باز هم به ملت و اساس مملکت لطمه میخورد و آن روز است که نه جای من است و نه جای شما و نه آقای مظهری و نه آقای پزشکپور (آترین) آقا واقعا اینطور است من خودم گفتم آزادی هر چه بیشتر، بگذارید حرفها را بزنیم، هنوز هم با این عقیده هستم ولی چند روز آخر وضعی بوجود آمد که نگران بودم، درست است یک سانحه ای اتفاق افتاد در آبادان، اگر این حوادث ادامه پیدا می کرد کی میتوانست قول بدهد که صدها حادثه مثل آبادان بوجود نیاید. اگر این آدم سوزی هسا ادامه می یافت بخدا مملکت را به آتش می کشیدند و آدم را می کشت و بخدا سوگند که دین را و آیت الله را از میان می بردند، مردم به حرف آیه الله شان گوش میدهند بازار را می بندند. اینها را از یک مشت غارتگر جدا کنید آنها معلوم بود مخالف بودند. آزادی که چنین باشد به شکست می انجامد. فکری کنید به کجا می خواستند برسند؟ جناب آقای بنی احمد من از شما قضاوت بی طرفانه می خواهم جناب بنی احمد این هجوم جمعیت اینطور غیر منطقی بجائی میرسد؟ کدام فرمول رایباده کنیم؟ کدام تر را پیاده کنیم؟ در موقعش هم که شد محرکین خود را کنار کشیدند قائم شدند و یک مقداری از پشت شروع به سرو صدا کردند مردم را که تعدادی نارضایتی داشتند و تعدادشان هم که کم نبود آوردند جلو و از احساسات مردم سوء استفاده کردند. عرض میشود که آقایانی که من در صف دولت می بینم عده ای دست اندر کار دولتهای گذشته هم بودند خوشامی و بدنامیشان بدست شماست ولی اکثریتی را می بینم که بیاری و به همکاری آمده اند و در این موقعیت زمانی میخواهند با شما کار کنند آرزو مندم آقایان هر کدام در همان سنگری که بودند و همان دیدی که داشتند در این دولت هم داشته باشند. امروز دست انتقاد بلند میکنیم ولی وقتی که در پشت میز قرار میگیریم تمام یادمان می رود که ما برای اینکه جواب مردم را بدهیم آمدیم من برای این آمدم که جواب مردم را بدهم اول بر اجماعی که میشود بادم می رود که من کی بودم

من آمدم ام برای مردم من باید جواب مردم را بدهم که البته هم ندادند. بهرحال آرزو میکنم جناب دکتر کنی من همیشه از وجود لذت بردم در قبال تفسیری که از قرآن کردید بعنوان یک آخوند و بعنوان یک واعظ تفسیر کردید لذت بردم و امیدوارم از آن انتقادات امروز هم بتوانید استفاده کنید پس فردا باید جوابگوی ملت ایران باشید و بگوئید که من همان کی هستم. باید جواب بدهید، جناب آقای دکتر یکانه امروز چیزی راجع به تورم گفته شد لازم میدانم بگویم من باید زود تر دست و پایم راجع کنم (سواد کوهی - نه خیر آقا ادامه بدهید) خیلی متشکرم جناب آقای سواد کوهی از لطفتان همیشه برخوردار بوده ام. دیروز راجع به تورم کلمه ای گفته شد که من روی این کلمه تکیه میکنم. تورم چی بود؟ چطور می رود بالا؟ رقم ۳۱ درصد آمار بانک مرکزی درست است این رابه ۷/۵ درصد رسانید آیا این درست است؟ مواظبش باشید خیلی زحمت دارد. من هر جا شنیدم تعریف کردند من قصد تعریف ندارم اما انتظار از شما داریم بگذارید اول از سرچشمه جلوی کار را بگیرید البته این سالها طول خواهد کشید. جناب نخست وزیر یک مبارزه اساسی بانادرستی و با فساد بکنید. قبلاً قبول نداشتم. وقتی ما راجع به نادرستی و فساد صحبت میکردیم یک عده ای هم در آن طرف داشتند سینه چاک میکردند اصلاً فساد وجود ندارد مبارزه ای را شروع کرده اید کوتاه نیاید در این فکر نباشید که در ملت آرامش پیدا شد ولی نکنید در سطح نساخید. اول بگوئیم که ملت یک شوکی در این چند روز باو وارد آمد خیلی از مردم ما از وجود حکومت نظامی و کشت و کشتار ناراضی اند. صبح ها هر کس از خانه اش بیرون می آید مطمئن است که امنیتی است ولی قبل از حکومت نظامی مردم نگران بودند مرتب از خارج تلفن میکردند که چی شده در ایران چه خبر است. در حالی که در اینجا امنیت هست باید بهترین استفاده را بکنید هیچ نوع دزدی نمی تواند بگوید که من در مظانم. اینها از مامی خواهند مبارزه با فساد را ادامه بدهیم این کار را بکنیم باید بکنیم مقامات امنیتی مملکت باید متوجه بشوند که کی دارد بنام ایرانی به امنیت ایرانی لطمه می زند باید بفهمند که کی دارد ثروت مملکت را غارت میکند؟ کی دارد سوء استفاده میکند؟ کی دارد بنام مقدسات مملکت بدین ما لطمه وارد می آورد یک وزیر پروژهای راتیه میکند لوفرض بعرض همایونی هم میرسد ولی خودش هم مسئولش هست ولی هر وقت به بن بست گیر کردید میگویند امر اعلی حضرت بوده شخصی در جای ممنوعه گوسفند میچراند

وقتی باو گفتم این خلاف است گفت گوسفندان اعلیحضرت اس و در جبروت هم سسی هر روز کارگزارش را با شلاق میزد و میگفت اسریه اعلیحضرت است ما که میدانیم اعلیحضرت پدر ملت است کدام پدر خانواده می خواهد خانواده اش در ناراحتی باشد زنجیر اعلیحضرت زنجیر عدالت است از پشت میز قشنگت بیا کنار واز ماشین بنز قشنگت بیا بیرون و آن بیژن را سوار کن و به دادگستری ببر و به حرفش رسیدگی کن آنوقت بگو امر اعلیحضرت است نه اینکه بیا عوام فریبی کن اما راجع به اختیارات استاندارها، اختیار داشتن استاندارها با استانی پن اختیارات فرق میکند اختیار استانی یک چیز است اختیارات استانداری داشتن یک چیز دیگر، اختیار استاندار بالا رفتن هم یک مطلب است تشکیل حکومت ملوک الطوائفی در حکومتی دیگر اگر کسی به کسی سلام نکرد عوضش میکنند (صحیح است) آقای شریف امامی اینها را خیلی باید بررسی کنید اینها با مردم روستاهای ما چه می کنند؟ چه ناراضی ها دارند و ای بحال وقتی که روستاهای ما در تسلط این دولت ها قرار بگیرد نگذارید این روستاها همینطور بماند شما میدانید با این مملکت چه کردند. این مملکت که توپ و تفنگ نمی خواهد میزان پروتئینی که برای این مردم لازم بوده و کشاورزان سابق تولید میکردند کاری کردند که آنهم از بین رفت شما نگ باید به لیست واردات مملکت برسید ببینید چه خبر است کاشی خارجی چه خبر است میل های لوکس چه خبر است. آقا دیدیم که تمام این پولدارها شاهدوست های مصلحتی هستند ثابت شد بشما، دیدید باز شربازان که همان دهاتی ها و همان روستائی های وطن پرستند که در اینجا آمدند به دادتان رسیدند. تکیه به پولدارها نکنید. عجب هنری داشته اند این دولتهای گذشته یک جوان که از دانشکده آمده بیرون زن و بچه خوب دارد خانه دارد دوسه اتومبیل لوکس دارد. حقوق مکنی دارد اما وقتی پای درد دلش می نشینی می بینی که چه چیزها که میگوید. یک سیاهی یک بچه بغلش بود این بچه مرتب گریه میکرد و او به بچه میگفت تو از کی می ترسی؟ یکی گفت این از تو میترسد تو داری زجرش میدی خیلی ما باید هنرمند باشیم که این مردم ناراضی را بطرف کمونیس سوق ندهیم. چرا که درآمد سرانه دارد و متکی بدین اسلام است و ثابت کردند که چنان متعصب هستند که نمی روند بطرف کسی که مخالف دین باشد. آنها غیر الهی هستند فلسفه الهی نمی تواند با فلسفه مادیات آنها منطبق باشد اما یک مقداری بگذاریم که آنها هم آزاد باشند نه اینکه بعد بیایند معترضان بشوند

من اینها را همینطور عرض میکنم و رد میشوم یک یادداشتی برای من فرستاده اند در مورد بررسی زندانیان سیاسی که وجود دارند یک تعدادشان که بر علیه مقدسات مملکت اقدامات خائنه کرده اند قابل گذشت نیستند ولی یک تعداد را که هنوز آلودگی کامل پیدا نکرده اند باید گذشت کنیم فرصت بدهیم، راغنامی کنیم، دنیای بهتری را که شما مدعی هستید می خواهید درست کنید بیایند و ببینند و زندگی کنند. خیلی از اینها جناب شریف امامی گناهکار نیستند یک کسی مقاله ای نوشته بود که بعضی شعارهایی میدهند که آدم و سوسه میشود. تحریک میشود جوان است در لفافه دوستی گول میخورد. ما نباید هر کسی هر حرفی زد اگر لب چاه بود او را بزیم برود ته چاه. باید با یک سیستم خاصی مواظبشان باشیم از وسط چاه بکشیم بالا وقت بدهیم حرفهایشان را بزنند و ناراحتی هایشان را بگویند. باز از نو شروع بکنیم اگر جای تجدیدنظر دارد. من از طرف مجلس خودم و دوستانم خواهش میکنم که هر جا جناب دکتر باهری می شود بخششی در قبال اینها کرد دروغ نکنید عرض میشود که یک تعدادی بی سیاسی هاهم بوده. در قبال آن پروژه نداشتیم این پروژه ها بکجا می رود. میدانید مهندسین مشاور در این مملکت چه کرده اند چه پولها را گرفته اند و کاری انجام ندادند که هیچوقت قابل بخشش نخواهد بود. یک روزی خدمت وزیر راه جناب آقای شالچیان بودم شما میدانید قدرت کار را سازی این مملکت ۲ هزار کیلومتر بیشتر نیست شما میدانید در فرانسه ۸۰۰ هزار کیلومتر جاده آسفالت دارند که خاک ایران است و ایران ۱۳ هزار کیلومتر راه آسفالت دارد.

عالمی - ۱۰ کیلومتر راه را ۴ سال است که میسازند.
دکتر رئیسی - اجازه بدهید یک روزی شهبانو آمدند به شهر کرد که من افتخار نمایندگی آن را دارم ضمناً آقای هویدا هم تشریف داشتند آقای پزشکپور بگویم یادشان بخیر؟

پزشکپور - ما که میگوئیم نه از آن سمت مجلس پرسید.
دکتر رئیسی - خوب از آنها می پرسم بگویم؟
(همه نمایندگان - نه نه نه) انشاء الله که این نه تأییدی باشد.

پزشکپور - پس کی به ایشان رأی میداد (خنده نمایندگان)
دکتر رئیسی - منم به ایشان رأی ندادم پس آقای پزشکپور با این حساب ما هیچ اختلافی باهم نداریم پس بیائید باهم متحد شویم. کاری بکنیم که کارها درست

شود کاری را که آقای شریف امامی میخواهند انجام بدهند دنباله اش را بگیریم. داشتم راجع به جاده ها صحبت میکردم عرض میشود که من گفتم ۱۳ هزار کیلومتر جاده آسفالت در ایران داریم و هر سال راههای روستایی ما را باران خراب میکند. برای اینکه اصالت در کارمان نیست. من پیشنهادی داشتم جناب آقای مظهری راجع به همان جاست که باهم روبرو شدیم. جناب آقای قائمی هم تذکری دادند که متشکرم به وزیر راه گفتم موزد پسند واقع شد و کار بجائی رسید که گفتم چنین حرفی نزدیم گفتم اگر برنامه ای برای مردم ایجاد شود باید با نظرشان و خواستشان باشد. اگر با نظر خودتان کار کنید مردم قدرش را نمی دانند چون مردم تأیید نکردند گفتم مردم را حساب بیاورید وسیله و ماشین آلات باندازه کافی است میدانید هر وزارتخانه یک مشت ماشین دارد، دفتر مهندسی دارد مقاطعه کار و شرکتهای هر وزارتخانه هم برای خود ماشین دارند و اینها هر کدام پول داشتند. گفتند بیائید از این وسایل استفاده کنید فقط دولت پول بنزین و وسایل را بدهد و مردم خودیاری بدهند و اینها را بریزید توی روستاها.

رئیس - آقای دکتر رئیسی وقت شما تمام شد.
دکتر رئیسی - اگر اجازه بدهید دقیقه دیگر بعراضم خاتمه میدهم. بلافاصله دستور داده شد که اینطور بشود ولی از فردا شاخ و شانه کشیدن در مجلس شورای ملی شروع شد. حالا جناب آقای نخست وزیر شما بگویند این چه موافقی است که اینطور حرف میزنند. من در جهت مردم ایران حرف میزنم. چون شما ممکن است در جهت مردم ایران قدم بردارید من این امنیت را برای مردم لازم میدانم اگر قرار باشد قدمهایی برای آزادی برداشته شود باید با اعتقاد مردم باشد. باید مردم را دوست داشت من توفیق شما را می خواهم و آرزو مندم که در این راه کوتاه نیائید. فقط جنبه حرف نداشته باشد تا آخر خط بروید. اگر امروز بداد مردم نرسید روز دیگر در جای دیگری فرمی دیگر و بنوعی دیگر زخمی میشوند. مردم منتظر اقدامات عاجل هستند مگر نگفتید آقای باهری که مردم راست گرا و چپ گرا باهم متحد شدند این واقعاً بی سیاسی مجریان است که مردم را در فشار گذاشتند که چپ و راست باهم متحد شدند. حتماً نمونه هایش را هم در این مجلس داریم. این دم آخر و فرصت آخر است از این فرصت در هر حال به نفع مردم و در راه خواسته های مردم قدم بردارید. در این راه تنها شما کافی نیستید این گذشت و فداکاری را باید همه دوستانان بکنند ممکن

است مورد اتهاماتی قرار بگیرید نباید دلسرد شد باید راه را ادامه داد. من توفیق شما را از خداوند می خواهم متشکرم، خیلی متشکرم.

یکی از شاهبیتها بر اساس این کار بود که همین جا اعتباراتی درست زیر نظر نمایندگان خرج شد و در بعضی جاها اگر برخلاف قانون انجام شده نمیدانم نماینده درجائی که میرفت با مردمش صحبت میکرد و کمبودها را میدید و کارهایی را که با خودیاری مردم همراه باشد انجام میداد این مطلب بزرگترین دشمن را برای نمایندگان درست میکرد. چرا که دستگاههای دولتی چون می دیدند پروژه ای که با ۵۰ هزار تومان بوسیله ما ساخته میشود آنها با ۵۰۰ هزار تومان می ساختند دشمن شدند و این متأسفانه خوب نبود (صحیح است) بقول معروف حرمت امامزاده را می بایست متولی آن نگه دارد اگر در حوال و حوش مجلس صحبتی شده دلخور نباشید بخدا این مجلس مجلس خوبی است و بیشک همه ما نمایندگان همانطور که در روز اول نمایندگی در اینجا قسم خوردیم در جهت منافع ملت ایران قدم بر خواهیم داشت.

رئیس - آقای پزشکپور نوشته اند که در سخنانشان بوسیله آقای دکتر رئیسی تحریف شده است، آقای پزشکپور بفرمائید.

پزشکپور - اولاً من بشخصه خیلی سپاسگزارم از نطق مخالفی که جناب دکتر رئیسی تحت عنوان موافق بیان کردند بهر حال نکاتی فرمودند که درباره نقطه نظرهایی که من در نامه ای که تقدیم مقام ریاست مجلس شورای ملی کردم، نظریات من بدین کیفیت نبود که بیان شد، بلکه عبارت بود از دو موضوع یکی مربوط به قانون گذرنامه که قبل از تصویب اقدام به وصول کردند دوم اینکه...

رئیس - آقای پزشکپور آقای دکتر رئیسی اصلاً بنامه شما اشاره نکردند بلکه به مطالب آقای بنی احمد که در روزنامه ها نوشته بودند اشاره کردند.

پزشکپور - خیر ایشان اشاره به مطلبی نمودند که موضوع سؤال من بود درباره اخذ عوارض گذرنامه که قبل از تصویب آن در مجلس اقدام بدریافت آن کردند بدون مجوز قانونی که هنوز هم تا بحال بان پاسخ داده نشده است، دوم درباره قانون انتخابات بود.

رئیس - آقای پزشکپور عرض کردم اشاره ایشان به نامه آقای بنی احمد بود که به روزنامه ها دادند.

پزشکپور - فکر نمیکنم گوش من اشتباه شنیده باشد.
رئیس - اتفاقاً اشتباه شنیده اید.

پزشکپور - خانها و آقایان شما شنیدید که آقای دکتر رئیسی چه فرمودند (مهمه نمایندگان)

دکتر رئیسی - جناب پزشکپور من اصلا در مورد نامه‌ای که جنابعالی نوشتید اشاره‌ای نکردم صحبت از این کردم که آیا آن لایحه موافق با قانون اساسی بود یا نه و باین نقطه نظر که مخالف قانون اساسی بود یا نه جنابعالی آن موقع اظهار نظر فرمودید و حقوق دانان در مجلس اظهار داشتند که برخلاف قانون اساسی نیست.

پزشکپور - علی‌احمال نقطه نظر من در مورد لایحه انتخابات باین کیفیت بود که چرا دستور جلسات طبق ماده ۴۰ آئین‌نامه به نمایندگان ابلاغ نمی‌شود.

رئیس - آقای بنی‌احمد بفرمائید.

بنی‌احمد - با کسب اجازه و تشکر از دوست ارجمند جناب آقای دکتر طیب که وقتشان را بمن دادند سخن را با سوگند به حقانیت شهدای راه آزادی شروع میکنم چرا که جویندگان حیات آدمی از آن سرچشمه می‌گردد و حیات آدمی در هردین و مذهب و مرام مقدس و محترم است و هیچکس نمیداند آن کودک ده ساله بی تجربه‌ای که امروز فقط حیات بیولوژیکی دارد فردا چراغ دانش او تا کجا می‌تابد و جامعه را در بر تو اندیشه خود می‌گیرد. با وجود اینکه در یک جامعه و از حیات آدمیان افراد نابکار نیز جلوه زندگی را مخدوش میکند اما بخاطر یک «مرد» که از میان هزاران «نامرد» برمی‌خیزد جواز سوگند بحیات آدمی و مخصوصاً آن آدمی که این حیات را تقدیم راه آزادی میکند صادر میشود. سوگندی بس بزرگ و مقدس جناب شریف‌امامی در برنامه دولت شما صحبت از همکاری نیروهای ملی میکنید چه تعارف بزرگی. شاید شمایی میل نبودید که دکان دولت‌نشین باز کنید اما یک نیش مردم را در روزهای سوم و چهارم با تیر آهن و پولاد بستید بنظر من مشکلات مملکت کوهی است که شما و کابینه شما توانائی تحمل آنرا ندارد.

۸ تن از وزراء شما تا دیروز باشیخ الاسلام زاده‌ها که امروز بعنوان دزد بیت‌المال زندانی است بعنوان همکار در کنار هم نشستند بودند عده‌ای دیگر نیز همیشه در جناحهای هیئت حاکمه و جزه لاینفک آن بوده‌اند اصل ۶۲ متمم قانون اساسی صراحت دارد «وزراء علاوه بر اینکه به تنهایی مسئول مشاغل مخصوصه خود هستند هیئت اتفاق نیز در کلیات امور در قبال مجلسین مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند» بهمین دلیل مردم این کارها را از شما نمی‌پذیرند زیرا شما همیشه در موضع یکی از سیاست‌های مقتضی و ناظر همه خلاف کاریها بودید همان وزیر دزد سالها در

تحتین مستند مجلس سنا رو بروی شما نشسته بود. شما در روز نخست حکومت طی بخشنامه‌ای استناد بقانون اساسی کرده و تساریخ هجری را تاریخ رسمی مملکت معرفی میکنید ولی روزیکه این تاریخ رسمیت خود را درست برخلاف همان استدلالی که در بخشنامه کرده‌اید از دست میداد جنابعالی ریاست جلسه مشترک مجلسین را بعهده داشتید از سوی دیگر جامعه ایران در آن مرحله از تاریخ اجتماعی و سیاسی است که نیازمند یک ملت مرد است. جامعه ما حکومتی را میتواند تحمل کند که لااقل در نابسامانیهای ۱۳ سال اخیر که مکتب رجال تعطیل شد، در موضع قدرت اقتصادی و سیاسی مشارکت جدی نداشته باشد. شک نیست که جامعه ملت‌هنگ ایران باید آرام شود، زیرا تا آرامش و تسکین بمیان مردم بازنگشته نمیتوان بگفتگو نشست. اما راه بازگشت آرامش در دنیای امروز که شما بالای ۱۰ میلیون نفر محصل دارید و رشد فکری و آگاهی سیاسی ایران در حد اعتلای خود است با توپ و تانک میسر نیست. شما روز چهارشنبه اعلام کردید که تظاهرات جز با اجازه کتبی مقامات دولتی امکان پذیر نیست. میدانید چرا کسی اعتنا نکرد؟ بدلیل آنکه میدانستند تاکنون برای تظاهرات حضور و غیابی دولت‌ها از هیچ جا کسب اجازه نمیشد شما از تظاهرات روز پنجشنبه ترسیدید. چرا بمقابله قانونی با افرادی که شعارهای خلاف قانون حمل میکردند نه پرداخت مگر در خیابان کورش در برابر چشم صدها هزار تظاهرکننده وقتی عده‌ای بطور مسالمت بازداشت شدند کسی تعرض کرد؟ پس شما خود اجازه دادید که در کنار شعارهاییکه یادآور حقوق پایمال شده ملت ایران بود چند شعار خلاف قانون هم باشد تا بعد مجوز لازم را برای اعلام حکومت نظامی و سرکوبی مردم داشته باشید. دلیل اینکه گفتم ملت ایران ملتی است هوشیار و آگاه اینست که پس از هر دوران فشار و اختناق وقتی نسیم آزادی در هر کجای دنیا وزیده دوران هرج و مرج و آناش نیز پیش آمده است اما آنها که اعتقاد باصالت آزادی دارند میدانند که این هرج و مرج‌ها گذراست عکس‌العمل طبیعی دوران فشار است دو روز و یا سه روز دیگر و یا دو ماه و سه ماه دیگر فروکش خواهد کرد. بنابراین آنرا تحمل میکنند. انا تظاهرات تهران از یک همبستگی و از یک نظم خاص برخوردار بود. اگر موارد خلاف قانون دیدید چرا ساکت نشستید؟ چرا دارندگان شعارهای خلاف قانون را بدست قانون تسپردید؟ اتهام همسراهی ملت معتقد

و ایرانخواه با هر عامل بیگانه درست اتهامی که عوامل بیگانه بروحانیت میزنند چه از نوع سرخ و زرد و سیاه اتهامی بس نارواست (احسنت) شما اسم بی‌سیمای مارکسیست اسلامی درست کردید من هم عنوان مارکسیست های رستخیزی را در برابری آن قراردادم روز جمعه مردم از ساعت ۶ صبح در میدان ژاله اجتماع کرده بودند شما ساعت ۷ حکومت نظامی را اعلام کردید.

چند نفر از نمایندگان - ساعت ۶ صبح.

بنی‌احمد - چگونه میتوان تصور کرد مردیکه یکساعت قبل از اعلام حکومت نظامی در میدان گردآمده‌اند از برقراری حکومت نظامی باخبر شوند؟ آنگاه، کردند با مردم بیگانه و بی‌دفاع آنچه را که بیگانه با بیگانه میکند. کشتار زنان بی‌دفاعی که در وسط میدان دراز کشیده بودند، بستن راه‌های فرار و شکار آدم.....

مجبائی - شما آنجا تشریف داشتید؟

بنی‌احمد - در آن شرایط که از کشته پشته درست میشد مردم اطراف میدان ژاله در تمام کوچه پس کوچه‌ها درهای منازل خود را بروی زخمی‌ها و مردم بی‌پناه گشوده بودند چه ۹۸ کشته؟! این ارقام را چگونه ارائه میدهید؟

اخلاق پور - بیشتر است.

بنی‌احمد - چرا ورود خبرنگاران خارجی را به بیعت زهرا سد کرده‌اید اگر شما در ارقام و اعداد کشتار بیعت جمعه تردید دارید دولت رسماً در روزنامه‌ها اعلام کند که خانواده کشته شدگان با دردست داشتن مشخصات کسان مقتول خود یک مرجع بیطرف قانونی نظیر کانون و کلاء دادگستری مراجعه کنند تا برده از این وقایع هولناک برداشته شود. من اعلام میکنم به تمام کسانی که در روز جمعه عزیزان خود را از دست داده‌اند من از فردا در منزل خود دقتی باز میکنم اسم کسانی که عزیزان خود را از دست داده‌اند ثبت میکنم با مشخصات کامل و به دولت شما میدهم و بدانید که آمار واقعی چیست و در کجاست. شما اگر خاطر تان باشد بن گفتید روزیکه خانم را در میدان بهارستان کشتند همان روز استعفا دادم زیرا من نمیتوانم دست به آدمکشی بزنم. پس حال چگونه قلب برنوشما باهن و سنگ تبدیل شده و این کشتار زنان و مردان بیگانه را توجیه میکنید و همچنان خود را صدراعظم فاتح جمعه خونین میدانید. شما در برنامه دولت دم از صیانت حقوق مردم میزنید. چهار تباطی با صیانت حقوق مردم و اینهمه کشت و کشتار.

دم از بهار سیاسی ایران میزنید! چه بهارخونی که هنوز شروع نشده لاله‌های ازیر بر قاز خون زنان و مردان هموطن رنگین شد. اگر اشتباه نکنم این شما هستید که همیشه در بهار سیاسی هستید و مقام و مستند و بارگاهتان هرگز خزان ندیده است.

شما یک اختلاط حساب با مردم ایجاد کرده‌اید و آن اینست که هر کس مخالف شماست، مخالف وطن است و هر کس در کنار شماست بدون تردید وطن پرست است. مستبدترین هیئت حاکمه نیز اگر استبدادش با فساد توأم نباشد از حداقل عدالت برخوردار است. این نکته را ۲۵ روز پیش خوانده‌ام شاید بعلت تأخیری که در من داشته در ۲۵ جانیز بیان کرده‌ام اینجابه سبب مقام و منزلت جایگاه خطاب بشما تکرار میکنم این نکته جالب و استثنائی، وصیتنامه فرانکو خطاب به خوان کارلوس است. آنچه برای شما میتواند درس باشد بند اول این وصیتنامه است که میگوید.

امروز محبوبیت کارلوس بعنوان مظهری از آشتی ملی در جامعه اسپانیا میدرخشد اما اینست حکومت آشتی ملی شما! و چنین است راه و رسم آشتی با مردم!

شما مدعی هستید که پروژه‌های غیرسودآور را حذف خواهید کرد با این تأسیسات عظیم کیش که بیش از ۵ میلیارد از درآمد عمومی این مملکت را جذب کرده و ملت ایران وظیفه پیدا کرده که وسیله خوشگذرانی عناصر بی‌فرهنگ نوکیسه ۱۳ ساله اخیر را از بیت‌المال بپردازد چه خواهید کرد؟ با صنایع مس سرچشمه چه میکنید با مس تولیدی چند برابر بهای مس شیلی! آیا در تبدیل مس آن قدرت را در خود سراغ دارید که ژاپن را از سر راه خود کنار بزنید؟ این میلیاردها سرمایه‌گذاری بی‌برنامه ریزی را چه کسانی کرده‌اند؟ چرا فقط شیخ الاسلام زاده‌ها را میگیرید؟

گر حکم شود که مستگیرند در شهر هر آنچه هست گیرند حالا که بحسابها رسیدگی میشود ما هم بعنوان نماینده مردم از نخستین اجلاس جدید بحساب ساعت به ساعت حکومت شما رسیدگی خواهیم کرد.

شما در برنامه خود چندجا از وحدت نیروهای ملی و حافظین قرآن و تعالیم اسلامی سخن گفته‌اید مظهر حفاظت قرآن در ایران امروز بشما چنین خطاب میکند اعلامیه حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاجی سید کاظم شریعتمداری مرجع عالیقدر شیعه.

بسم الله الرحمن الرحيم

«با قلبی آکنده از تألم و تأثر فاجعه دردناک روز جمعه

پنجم سوال المکرم ۵۹۸. را در تهران بعموم ملت مسلمان مخصوصاً به خانواده‌های داغ‌دیده تسلیت می‌گوئیم. بار دیگر در اوج مبارزات مردم ستم‌دیده ایران در راه برقراری حکومت قانون و کسب آزادی‌های مشروع و قانونی گروهی از فرزندان عزیز ما در تهران بخاک و خون غلطیدند و بلافاصله پس از انتشار خبر این حادثه عظیم حوزه‌های علمیه ایران بناتم نشست و غمی بزرگ سراسر کشور را فرا گرفت. ما این مصیبت مؤلمه را به پیشگاه مقدس ولی‌الله المنتقم حضرت حجة بن الحسن ارواحنا فداه تسلیت می‌دهیم و کيفر آسرين وعاملين اين كشتار وحشيانه را از خداوند منان مستلث می‌داریم و سيعلم الذين ظلموا ای منقلب یبقون. لذا برای چندمین بار این حرکت زشت و ظالمانه را شدیداً محکوم می‌کنیم و برای بزرگداشت خونهای بناحق ریخته شده و همدردی با یازماندگان حادثه: عزای عمومی اعلام می‌داریم. شایسته است که قاطبه ملت مسلمان ایران بخاطر اینکه دستگاه بهانه‌ای برای کشتار جمعی دیگر پیدا نکند عزای عمومی را در نهایت آرامش و متانت و بردباری برگزار کنند ضمناً لازم میدانیم در اینجا صریحاً اعلام نمائیم با وجودیکه دستهای معلوم الحال درصدد تفرقه‌افکنی در صفوف متشکل روحانیت است، روحانیت شیعه با وحدت کامل در طریق خود استوار خواهد بود و تحریفات و جعلیات مزورانه دستگاه‌های خبری و انتشاراتی، نخواهند توانست بین آنان کوچکترین شکافی ایجاد کنند. خواست ما از مردم مسلمان اینست که مصالح اسلام و شریعت را کاملاً مراعات نموده و در این ایام حساس و خطیر با حفظ متانت و بردباری بیش از این بهانه بدست ایادی استعمار و استبداد ندهند. از خداوند قادر متعال دوام شوکت و سربلندی و پیروزی ملت مسلمان را در راه کسب خواسته‌های مشروع و هدفهای اصیل اسلامی مسئلت داریم. ۵ سوال المکرم ۵۹۸.

سید کاظم شریعتمداری
در پایان برنامه خود گفته‌اید که بروان پاک درگذشتگان وقایع اخیر درود می‌فرستم، پس این روانهای پاک را که در اندام‌های بیگانه جای داشتند چرا سوراخ سوراخ کردید؟ آیا با این درودها نوجوانان و دختران دم‌بخت بخانه‌ها برمیگردند؟ آیا با این درودها فرزندان یتیم آغوش گرم‌مادر و دست نوازش‌پدر را بازمی‌یابند؟ خداوند بر شما نیشخاید.

من چون بعنوان اعتراض بوقایع روز جمعه از ساعت ۸ روز شنبه تا پایان هفته شهدا روز سیاسی گرفته‌ام و چون اینک تقوایم بتحلیل میرود و یقیناً در جلسه رای بدولت شما توانائی شرکت نخواهم داشت اینک پیشاپیش رای

کبود خود را تقدیم میدارم (اسحق زباد - آفرین، احسنت) در پایان بروان پاک شهدای وقایع اخیر، خواهان و برادران مبارز که در راه اعتلای آزادی جان خود را از دست داده‌اند درود فرستاده و یک دقیقه سکوت میکنیم.

(در این هنگام آقایان: پزشکپور - ظفری - یزدی دکتر طبیب بیا خاستند)

رئیس - آقای فرهنگ بگویند بفرمائید.

برویز فرهنگ بگویند - در آغاز سخن اندوه بزرگ خود را بخاطر حوادث تأسف‌باری که موجب شد تا بسیاری از هموطنان عزیز را در گوشه و کنار مملکت از دست بدهیم اعلام میدارم و مطمئن هستم که تمام ملت ایران از این وقایع غمگین هستند (صحیح است) لذا این مصیبت رابه همه ملت ایران تسلیت عرض مینمایم. (احسنت)

و اینرا هم بگویم که ما طبق سوگندی که برای نمایندگان در قانون اساسی کشور منظور شده سخن می‌گوئیم و باید برآستی و درستی باشد و عنوان مخالف و موافق و جبهه‌گیری را بهیچوجه نمی‌پسندم و حقیقت گویی بهتر از هر سخنی است مسئله موافق و مخالف در آراء معلوم میشود (صحیح است) و بنابراین من بعنوان بحث در برنامه دولت سخن می‌گویم تا خدای ناخواسته تعصبی نباشد.

بنام خداوند بزرگ که همه هستی از اوست: جناب آقای رئیس، همکاران ارجمند: در مرحله‌ای حساس از رویدادهای مینهن عزیزمان و در این جلسات فوق‌العاده که بمنظور بررسی برنامه دولت جدید تشکیل شده باقلمی پاک برای ادای واقعی نظرات و عقاید یک انسان ایرانی با مسئولیت نمایندگی مجلس به خداوند بزرگ پناه می‌برم تا در احتراز از خودخواهی عدم توجه به مسائل شخصی و هرگونه مسئله‌ای جز واقعیات و مصالح عمومی برحسب سوگندی که در آغاز نمایندگی در این ساحت مقدس ادا نموده‌ام مرا یاری دهد:

با این روش سخنان خود را برای بحث در برنامه دولت اظهار مینمایم:

برنامه تقدیمی مطرح در مجلس را عمیقاً مطالعه و بررسی نمودم آنچه که بنظر میرسد برنامه تهیه شده با کمال دقت و در جهت توجه به رفع گرفتاریها - نارسائی‌ها و نارضایتی‌ها آماده گردیده در متن برنامه و برخی از تفصیل تذکراتی است که خوب در ضمن مطالبی که ایراد مینمایم بیان خواهد شد ولی از همین حالا جناب آقای شریف‌امامی: بایستی گفته شود که مسئله ما تهیه برنامه خوب و مردم پسند نیست مسائل و مشکلات مردم ناشی از نحوه اجرای

برنامه‌ها است. شما ملاحظه بفرمائید که در طول سالیان متعددی چه برنامه‌هایی تهیه شده و چه یسائلی عنوان گردیده که هیچکدام هم بد نبوده است ولی نتیجه؟ و چرا باین مرحله رسیده‌ایم البته که چگونگی اجرای برنامه‌ها و تکیه بر دیوان‌سالاری است: بنابراین مقدمه مختصر لازم است تا اصول علل و مشکلات رویدادها را شکافته و آنچه که خواسته مردم است بیان شود و آنگاه نتیجه گیری که باید بنمائیم بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و اثرات مترتب بر آن یک فرصت استثنائی در تاریخ معاصر ایران پیش آمد تا رهبری مملکت امکان رهنمود یکسلسله افکار اصلاح طلبانه در جهت مصالح ملی را یافته و مقدم باین مورد شدند و این موضوع مطرح شد که مملکت از حالت آزمون بیرون آید و انحصار منافع کشور بدست معدودی مالک و سرمایه‌دار و امثالهم به تنهایی نباشد و باین دید که منافع کشور ایران عادلانه بایستی متعلق بعموم افراد مملکت باشد و بنحوی که اینرا همه ملت عمیقاً احساس نمایند لذا با همه موانع و مشکلات که در سر راه وجود داشت (اعم از سیاست‌های خارجی و یا معاندین و مخالفین داخلی که در اینراه منافع خود را از دست میدادند) برنامه‌هایی تنظیم گردید و پس از برطرف کردن مشکلات مورد اشاره و جلب نظر و توجه همگانی مردم در وقوف به ضرورت این اقدامات انقلاب ششم بهمن ابتدا در ۶ اصل اساسی برای عمومی گذاشته شد و خوب است که این حقایق گفته شود برای جوانانی که اکنون کمتر از ۲۰ سال سن دارند که در آن روز ششم بهمن ملت ایران چه کردند؟ با چه استقبال و احساسات بی‌نظیر با کثرت قریب با اتفاق تأیید نمودند این اقدامات و اصول را و چگونه زارع و کارگر ایرانی آنزمان به امتیازات مالی و معنوی فوق‌العاده‌ای برای اولین بار دست یافتند که شاید خود آنان نیز در موقع طرح این اصول آنرا باور نداشتند و برایشان خواب و خیالی بود اما چون این اقدامات از پشتیبانی همگانی مردم برخوردار بود عمل شد و برنامه‌ها پیاده شد اما چگونه و با چه مشکلاتی برخورد کرد بحثی است که بعد خواهد آمد این موضوع انقلاب آبروز و حمایت ملی موجب شد تا در مدت سالیان دراز نه فقط در نفس اصول مؤثر واقع گردید بلکه راه گشای بسیاری از احترامات هم شد چنانکه اصول لازم دیگری باین اصول اضافه شد که همه آنها لازم و ایده آل بودند ولی در اجرا چطور؟ البته برخیا به نسبتی موفق و مؤثر و بعضی‌ها ناموفق و حتی کاملاً ناموفق (مانند اصل انقلاب اداری) و مهمتر از این اصول بنظر

اینجانب امکان استفاده از حمایت نیروهای ملی مردم را فراهم کرد تا در عمل سیاست‌های خارجی بخصوص در جهت اعاده حقوق ازین رفته ملت ایران - متکی بر مردم در نهایت فداکاری و دلسوزی بتدریج حقوق متعلق بملت ایران از محل منابع ملی کشور در مالکیت واقعی مردم ایران قرار گیرد که در دهه ۵۰-۶۰ شروع با اقدامات گردید و در سالهای ۶۰ به بعد استفاده از این منافع اقتصادی باوج خود رسید و به یکباره کشور از رشد اقتصادی بی‌نظیری در طول حیات سیاسی خود برخوردار گردید و درست نکته در اینجا است که این رشد اقتصادی همراه با دیگر اقدامات انقلابی جامعه را در وضعی استثنائی و عجیب قرار داد که حتماً نیاز به برنامه‌ریزی بسیار دقیق و حساب شده داشت که اثرات ناشی از این رشد اقتصادی فوق‌العاده بهمراه دگرگونی جامعه متحول ایران نقش زایل‌کننده و مخرب را بازی نکند. اوج این خطر را بایستی بخصوص در تغییر و افزایش اعجاب‌انگیز ارقام اعتبارات برنامه عمرانی پنجم جستجو کرد. البته در همه جا و همه وقت ولی بخصوص در اینگونه مواقع استفاده از نیروهای ایمان - شرافت و اخلاق ارزش و اعتبار واقعی خود را نشان میدهد و مینیمیم که با همه امکانات چه خلاء و کمبود جبران ناپذیری را میتواند ایجاد نماید - من اعتقاد دارم که نقش رشد اقتصادی و به همراه آن تحولات اجتماعی دستگاه برنامه‌ریزی و مجریه را در مرحله اول در حالت اطمینان بخشی فرورده بود و اعتماد و اطمینان متکی بر این رشد سریع باسوخ خود در قشرهای تازه متحول آنزمان بدرجه غفلت رسیده بود - و در نتیجه در این میان بزرگترین عامل مؤثر در آن یعنی اخلاق عمومی در بسیاری از قسمت‌ها و امور فراموش گردیده، بنابراین بهترین زمان فرصت جهت ایجاد یک زیربنای محکم و مطمئن اقتصادی و ملی در اثر بی‌توجهی باسور معنوی چنانکه باید نتیجه نداد که سهل است هر روز برای فرصت طلبان و متجاوزین باسوال عمومی، افزایش درآمدها از یک جانب و سرعت نامتناسب از طرف دیگر امکان سوء استفاده را فراهم نمود پول بی‌حساب در دسترس یا بخش در میان جامعه روق اقتصاد ملی نامتناسب با امکانات معنوی وقتی هر روز بازار فساد و استفاده‌های غیر معقول و در نتیجه بدست آوردن مال بدون زحمت، از راه دلالتی‌ها زدویندها و از آب حمام آشنا گرفتن‌ها را ایجاد نمود و با اینگونه امکانات غیر طبیعی جابجائی گروه‌های مختلف اجتماعی موجباتی را فراهم نمود.

دکتر طیب - همین عوامل باعث نارضایتی مردم شده است.

فرهنگ - مخصوصاً مهاجرت نامناسب روستاییان شهرها و قدرتهای خرید بی حساب گروهی پول مفت بدست آوردن بازاری بورس بازی زمین - گرانی ارزاق عمومی و تورم سرسام آوری را موجب شد - و در این میان سنتهای اصیل فراموشی سپرده میشد و سرعت صنعتی شدن و رواج بازار صنعت اکثر پول درآر همه ارزشهای معنوی ملی را در حالت فراموشی و احياناً تسمخ قرار میداد. و توزیع نامتعادل درآمدها را موجب میگردد (صحیح است) سودهای بی جهت از راه زمین بازی و ساختمان ودلای مهمترین اصل پایه اقتصاد تولیدی یعنی کشاورزی را شدیداً تحت تأثیر قرار داده بود - خصوصاً که با بالا رفتن هزینه تولید کشاورزی - افزایش دستمزدها و سوددهی بی حساب بسیاری از صنایع و شرکتهای پر سود و امور ساختمانسی مد روز، کار هر کشاورزی را کار دست دوم و شاید کار جنبی و تقنی کرد بنحوی که افزایش سریع مصرف و احياناً اصراف با قدسهای بلند تناسب تولید با مصرف را شدیداً بهم زد و در این بین اصل اساسی تکیه بر نیروی کار و تولید ملی در برابر اینگونه مسائل به با یگانگی سپرده شده بود میشود قاطعانه ادعا کرد تنها شخصیتی که دلسوزانه و بطور مستمر توجه به نارضائتیها داشت و در جهت رفع و کنترل ضایعات همه جانبه امور و حفظ حقوق عمومی به مسؤولین هشدار و ره نمود میداد شخص شاهنشاه بودند ولی متأسفانه مکرز اجرای این لولمر با تعلل دستگامعجزیه در پیچ و خم دیوان سالاری مواجه میشد که تشکیل کمیسیون شاهنشاهی بهمین علت و تأییدی بر آنست در حالیکه توقعات و خواستههای مردم سریعاً بالا میرفت بهترین استنتاج از آنها با این جملات در برنامه جدید دولت آمده که (بدیختانه مبانی معنویات را در جامعه ماضی و متزلزل کرد و در واقع یک نوع بی توجهی به اخلاق و ارزشهای معنوی را موجب شد که اکنون شاهد عوارض آن هستیم).

در چند سال اخیر این دوره از قانونگذاری صورتجلسات مجلس شورای ملی در جلسات علنی و کمیسیونها گواه است که همین نمایندگان واز جمله ۲ نفر از آنان که اکنون در دولت عضویت دارند چگونه به تمام این گرفتاریها و نارسائیهها تا حد اعلام خطر اشاره و هشدار دادند ؟ تذکر

دادند سؤال کردند گفتند و گفتند بنحوی که من در این چند روز که برنامه دولت را میخواندم انگار که در بسیاری از فصول گفتهها و تذکرات دو سه سال اخیر مجلس را باز خوانی میکنم ولی نه توجه شد و نه منتشر فقط منعکس میشد که نماینده فلان شهر مطلبی گفت و هرگاه موضوعی را هم در روزنامه میگذاشتند هر قسمتی که میخواستند درج میگردد و هر جا را میخواستند حذف و معلوم است که مطالب ناقص اصل گفتار راسخ میکرد و مشخص است نتیجه قضاوتهای مردم درباره گفتار این چنین نمایندهای - که برای خود من هم پیش آمد.

و هر جا میدیدند که موردی موجب تضعیف نمایندگان میشد با چه آب و تابی از روزنامهها یا رادیو و تلویزیون پخش میشد - خوب من نمیدانم کجای ضعیف شدن مجلس بنفع مملکت است جز اینکه موجب میشود در برابر نگفتنهای هر نماینده گفتارهای هزاران نفر شروع گردد :

آقا من اینجا با اعتقاد میگویم این نمایندگان جز اعتلا و استحکام اصول رژیم سلطنت مشروطه و قانون اساسی در تحت تعالیم عالییه اسلام نظری ندارند و قضاوت را هم دورادور نباید کرد سابق و نحوه اعمال هر نماینده را قضاوتهای مردم شهرستانها و روستاها مشخص مینماید نه مصاحبههای آنچنانی و اهانتهای آمیز در روزنامهها مگر نمایندگان جز ابراز خواستهها و گرفتاریهای مردم چه میگفتند ولی آنقدر توجه نکردند تا مردم در اثر یأس از انجام خواستههای منطقی خود صدایشان درآمد و نارضایتی شدند و البته در نارضایتی هر کسی آسیبپذیر هم میشود و تحت تأثیر عوامل مغرض و فرصت طلب قرار میگردد (صحیح است) چرا باید بنحوی رفتار شود تا مردمی که بحق باید برای سپاس از اثرات تحولات اجتماعی بخوابانها بیایند وسیله دست و سوءاستفاده سیاسی گروههای مختلف واقع شوند.

اکثریت قریب با اتفاق این مردم مسلمان میهن پرست و شرافتمند هستند و هیچ نظری جز اجرای خواستههای مشروع ندارند (صحیح است) شما فاسدین - مفسدین و عوامل خیانت را از بین ببرید خواهید دید که همین مردم تا چه حد بحقوق اساسی و قانونی خود قانع هستند ؟ شما حساب ملت مسلمان و با ایمان مردم را از معدودی مغرض و ماز کمیست تا مسلمانان جدا کنید و البته مردم هم باید هوشیار باشند تا فعل مقاصد مغرضین نگردد اگر اعتماد مردم را بواقع جلب نمایند مطمئن ترین و عظیم ترین نیرو را برای حفظ

اساس ملیت ایران دارید جناب آقای شریف امامی مردم را دهها و صدها گونه مشکلات بصدا در آورده و بطور موقت آسیبپذیر کرده که شرط امانت و و کالهی حکم میکند تا قسمتی از آنها ولو به مختصر مورد اشاره واقع شود مردم این درد را دارند که چرا چپاولگران و سوءاستفاده کنندگان از اموال عمومی همیشه سوارند و از شاخه ای به شاخه ای میپروند مگر میشود مردم کوچک و بازار اینان را را بشناسند و دولت آنها را نشناسد ؟

مردم و مملکت این درد را دارند که چرا باید دولتها بر خلاف صلاح ملک و ملت سوجبات رنجش علمای بزرگ و آیات عظام را فراهم کنند و ایجاد فاصله ای بنمایند که من آنرا خطر بزرگ مینامم و آیا خیانتی از این بالاتر هست ؟

امکان ندارد که مقام روحانیت و یا هر فرد مسلمان واقعی به آشوب و ازین رفتن اموال و جان مردم راضی باشند چنانکه بکرات هم در جراید دیدیم دعوت بآرامش کردند آنان بزرگوار و مورد احترام قطعی مردم هستند و باید دولتها هم این احترامات را در نهایت اعلا رعایت مینمودند.

مردم این مشکل را دارند که وامهای بزرگ صنعتی و کشاورزی چه و چگونه و به چه اشخاصی داده شده و بازده آن چیست.

مردم میگویند این اراضی جنگلی ملی شده به چه کسانی داده شد :

مردم با این همه واردات نامعقول مخالف هستند و نمیخواهند قورباغه خوری و خرچنگ خوری بر مردم تحمیل شود - بگذارید مردم غذایی را بخورند که خود تولید میکنند (احسن) باید روشن بشود که عوامل عمده این واردات و سوءاستفاده از آن در سالیان متبادی چه اشخاصی بوده اند و چرا این انحصار داده شده :

مشکل آهن را در ایجاد عوامل احتکار و گرانی آن بخاطر چه اشخاصی بوجود آوردند ؟ مگر نه این است که اینگونه سوءاستفاده ها موجبات سودهای بی حساب و مجالس شبانه آنچنانی و مخارج استثنائی چهار صد هزار تومانی را فراهم مینماید.

آیا این سخن نادرست است که در وینچره کشور بدون ضابطه بروی بخارج رفتن و پول بخارج بردن و ارز مملکت را فراری دادن بی حساب باز گذاشته اند و بسیاری ایرانیان ۲ ملیتی یا چند ملیتی بوجود آورده ؟ خوب حال که این چنین است چرا باید زیارت خانه خدا با این محدودیت باشد ؟ و اگر علتی هست چرا مشکلات آن بوضوح بر مردم گفته نمیشود ؟ (صحیح است) جناب آقای شریف امامی این همه درخواست عمومی ملت ایران و امریه رهبر مملکت

در روز معرفی هیئت وزیران است که تعالیم عالییه اسلام باید در صدر برنامهها باشد.

بیانید همین اسسال کمک بمدارس علمیه طلب علوم دینی را در بودجه کشور و با اوقاف بگذارید جناب آقای دکتر عاملی شما که اخیراً دستور بسیار خوبی در جلوگیری از انتشار اوراق خاله و ضد مذهب صادر کرده اید ملاحظه کنید این مجله ای که برای مجلس هم میفرستند چیست ؟ و چگونه بخود اجازه میدهد در یک کشور اسلامی شیعه اثنی عشری وجود مقدس امام زمان رانفی کند آقا ملت ایران چنین نشریه ای را نمیپذیرد دستور بفرمائید اقدام فوری و قطعی بعمل آورند از حضور جناب رئیس هم استدعا میکنم امر بفرمایند این مجله را خدمتگزاران مجلس تحویل نگیرند ما نمیخواهیم - آنوقت در بعضی از شماره ها هم در کنار این لاطائلات از دیگر مقدمات ملی ما حمایت مینماید این خیانت به کشور و ایجاد نفاق است . (عباس میرزائی - مجله ای که منکر امام زمان میشود اوراق خاله است)

فرهنگ - بنده خود ندیده ام ولی شنیده ام که یکی از نویسندگان قدیمی که هم دکتر وهم مصدر فعل و کار مهمی هم هست، کتاب است یا استسبیل نمیدانم در لبنان به چاپ رسانده و در اینجا بین مردم منتشر کرده و در آن بعنوان تحقیقات به ساحت مقدس پیغمبر اسلام جسارت و بی ادبی نموده - تحقیق فرمائید اگر چنین باشد این شخص چگونه دارای صلاحیت اخلاقی است .

پزشکپور - آقای فرهنگ توضیح بفرمائید مدیران و صاحبان سهام آن مجله چه کسانی هستند ؟

فرهنگ - من تقاضا دارم بوضع این شرکتهای بزرگ خانه سازی و غیره رسیدگی شود که چیست و چه مشکلاتی ایجاد کرده اند حتماً اینگونه شرکتهای واحدهای صنعتی خوب هم هست بنفع آنها است تا حساب خوب و بد از هم جدا شود و خشک و تر با هم نسوزند.

شما را بخدا ببینید با همین وضع بیمه و تأمین اجتماعی کارگران و کسبه و اطاق اصناف و مالیاتهای نامنظم که بایستی برای رفاه مردم میبود وسیله ای شد و رفتند و با سرعت نارضایتی مردم را فراهم کردند - آقا بخدا قسم در همان شهر کوچک حوزه انتخابیه من (ستقر) همین یکماه قبل اخطارهای بیمه های اجتماعی با جریمه و غیره عده ای پیش من آوردند اوراقی برای بعضی از کسبه تعیین کرده بودند که اطلاع داشتیم تمام مغازه های بانداز آن مبلغ نبود خوب اینها ایجاد نارضایتی میکند و عجیب است

که چنین شده، برسد، ببینید این غفلت بودم یا عمد اگر عمد باشد که خیانت مسلم است. هر کدام از این ناراضی ترانشان در کنار مگر کن و معترضین موجود مسئول بسیاری از این گرفتاریها و عصیان مردم هستند که بایستی بزودی تکلیف آنان روشن و برای اطلاع مردم اعلام شود.

در برنامه وزارت بهداری و بهزیستی به یک مسئله اساسی و مهم مملکتی یعنی خطر بزرگ اعتیاد و جلوگیری از آن چیزی ندیدیم و باعث تعجب است که آیا این نکته مهم فراموش شده؛ آیا توجه نداریم که جوانان این مملکت را مواد مخدر با چه وضعی در خطر قرار داده، این نکته را مخصوصاً تذکر میدهم که باین موضوع بایستی با حساسیت و دقت فوق العاده‌ای هر چه زودتر توجه و فکر علاجی بشود.

قدسی - پذیرائی با مواد مخدر جزو تشریفات بسیاری از خانواده‌ها شده است.

فرهنگ - توجه بامر کشاورزی با اهمیت فراوان در برنامه دولت بسیار خوب است و اولین اقدام عملی در افزایش بهای گندم کاری است شایسته ولی این لازم بوده و نافی نیست به تقلیل یا افلاک کنترل هزینه تولید بپردازد تا افزایش بها با افزایش هزینه خشتی نشود. کشاورزی باید سوده باشد تا مردم با علاقه بان بپردازند و حمایت همه جانبه میخواهد، در انجام کارهای عمرانی و خدمات رفاهی خیلی لازم است بروستاها توجه شود، تازارخ در روستا بماند آنچه تفاوتی است بین یک انسان شهری با یک انسان روستائی چرا باید در سهمیه اعتبارات عمرانی این همه تبعیض باشد؟

مسئله مردم گرفتاریهای افزایش هزینه زندگی است نه باید با اعمال سیاست معقول اقتصادی کنترل شود ولی چقدر میشود حقوق و دستمزد و هزینه زندگی با هم کورس بگذارند و آخرش بکجا میرسد؟

این وضع مالیاتها را باید درست کرد آخرین که درست نیست هر روز بار مالیاتی طبقات کم درآمد و کارمندان دولت و کسبه و گارگر سنگین شود و عوارض و مالیاتهای غیر مستقیم کم مردم زابشکنند ولی مالیاتهای مستقیم و واقعی بکنار گذاشته شود و عدم تعادل درآمدها را موجب شود.

بهر صورت گفتنی بسیار است و مشئوی هفتادمن کاغذ شود تنها راه عمل است و عمل و آنهم خیلی قاطع و سریع و در نهایت، من باین موضوعی که قبلا هم در مجلس عنوان شده معتقدم که یک حسابرسی ملی بوجود آید و وضع افراد، در هر شغل و کار دولتی و ملی روشن شود

چرا که نه؟ این قطعاً برفع گروه زیادی از مسئولین و مقامات و طبقات با کدامن و صادق هم خواهد بود تا حسابشان از حساب فاسدین جدا شوند نهایت آنکه در برنامه دولت می بینیم که به رفع بسیاری از این گرفتاریها و مشکلات اشاره و توجه شده و چندین مورد اقداماتی هم در این مدت صورت گرفته اگر با صداقت و قاطعیت به همه برنامه‌ها آنهم با سرعت عمل شود که مردم باور می کنند و حمایت هم میکنند ولی اگر خدای ناخواسته اینها هم برنامه بدون عمل باشد همین جا اعلام میکنم، اولین مخالف دولت بمنظور حفظ بقای دین و سلطنت و قانون اساسی بنده خواهم بود (احسنت).

نمایندگان مجلس به همراه ملت ایران در تحت تعالیم عالیۀ اسلام به رژیم سلطنتی مشروطه و قانون اساسی عمیقاً عشق میورزند و از این اصول با جان و دل حراست مینمایند بار دیگر میگویم موقعیت بسیار حساسی است که باید فارغ از خودخواهیها و فرصت طلبیها و یا آگاهی بر تمهیدات دشمنان دین و ملک و ملت و وظیفه سنگینی را که در اعاده نظم و امنیت عمومی و رفع ناراضیهای هائی که این روزها شاهد عوارض بسیار تأسفبار آن بوده ایم با جان و دل بکوشیم - از این مکان ملی از حضور مقدس روحانیت برای ارشاد و حفظ سلامت و امنیت جامعه استعانت نموده، از دولت میخواهیم تا با اندیشه و رعایت هر چه بیشتر مردم بخصوص جلوگیری از هرگونه واقعه تأسفبار کوشا بوده و در ایجاد محیط اطمینان که رضایت واقعی مردم بهترین پشتوانه آن است مساعی لازم را مبذول دارند.

در پایان عرایض بنده ضمن کمال احترام که برای عموم نمایندگان و همکاران عزیز دارم و ضمن اینکه نظر هر کس را بهر شکلی محترم می دارم یک مطلبی در اینجا پیش آمد دوست عزیزمان چون اسم برد منم اسم بی برم بدو دلیل بنده بدون اینکه صحبت کرده باشم جناب مظهري فرمودند جناب فرهنگ، ضمن صحبتهایشان، بنده تعجب کردم که این خطاب برای چیست اینرا از این لحاظ عرض می کنم که حالا که آقای نخست وزیر جناب عالی دستور فرموده اید این گفتگوها از تلویزیون و رادیو پخش شود در جامعه ممکن است سوء تفاهم ایجاد بشود که من بسا ایشان چه مخالفستی دارم هر کس نظری که دارد باید بگوید بنابراین لازم شد اینجا مطلبی را عرض کنم والا هیچوقت این اجازه را بخودم نمیدهم که اسم از کسی ببرم و البته سعی میکنم

که عرایضم را با ادب عرض کنم چون گفت «از خدا جوئیم توفیق ادب، بی ادب محروم ماند از لطف رب». ایشان اشاره‌ای فرمودند که در گذشته این چنین بوده و آن چنان بوده قربان اگر بنده این مطالب را میگویم بنده‌ای که از یک روستا بلند شده‌ام بنده‌ای که تا روزنمایندگی هیچکس را نمیشناختم، من که عضو حزب ایران نوین نبودم بنده عضو حزب مردم بودم نه از آن عضوهای شناخته شده بطوریکه حتی این آقای دکتر کنی بنده را نمیشناسد. و در هیچ کاروبندوبستی هیچ نوع دخالتی نداشته‌ام جناب مظهري خوب است که گفته شود جناب عالی عضو حزب ایران نوین بوده اید همه میدانند و شاهدند که انتخابات در شهرستانها با آزادی کامل انجام گرفت والله بخدا من، نخست وزیر که سهل است استاندار کرمانشاه را هم نمیشناختم و ندیده بودم روز اولی که انتخاب شدم به زیارت حضرت رضا رفتم بدیدار هیچکس نرفتم و چابوسی هم نکردم و نخواهم کرد پارتی هم نداشتم عرض میکنم نماینده‌ای که بخاطر نمایندگی مصالح مملکتش را فراموش کند سزاش برای زیـــــر سنگ آبیست خوب است هیچکس مملکت و میهنش را بخاطر مصالح شخص خود زیر پا نمی گذارد حال اگر آقای پزشکپور این مطالب را میگویند از اول همینطور بوده‌اند و مورد تأیید است ولی همانطور که همیشه آقای پزشکپور ثابت قدم بوده و هست نباید فراموش کرد که شاهنشاهی جزء موجودیت ماست ایشان زمانی که بنده نبوده‌ام مبارز بوده‌اند این را قبول

دارم ولی قربان بنده جوانی که تازه به اینجا آمده‌ام این سخنان را از کسانی که در کنگره حزب رستاخیزمشی نخست وزیر وقت بوده‌اند قبول نمی کنم این صحبتها را به چه کسی می گوید مگر ما که این جا نشسته ایم، دیوانه ایم بخدا در میان تمام این افرادی که این جا نشسته‌اند افراد وطن پرستی هستند که دم نمی زنند ولی باتمام وجود شاهدوست و وطن پرست هستند اینست که استدعا می کنم سرسبز همدیگر نگذاریم زندگی همه ما مشخص است و مرد ایران و مردم حوزه انتخابیه مان همه میدانند همه معلومند و مشخص که چه بوده‌اند و چه هستند ما از آن طرف میگوئیم دولت نباید مجلس را تخطئه کند و تحقیر کند از طرف دیگر تیشه بر میداریم و بریشه مجلس می زنیم درست نیست قربان این تریبون امانت است صحیح نیست که از این امانت مات برای نفع شخصی و مسائل شخصی استفاده بکنیم یا برای تبلیغات.

عرضی ندارم. (احسنت - احسنت)

۴- اعلام دستور و موقع جلسه آینده پایان جلسه.
رئیس - چون وقت دیر است با اجازه خانمها و آقایان این جلسه را ختم می کنیم جلسه آینده ساعت ۴ بعد از ظهر امروز و دستور جلسه دنباله بررسی برنامه دولت خواهد بود.
(جلسه ساعت دوازده و پنجاه پنج دقیقه پایان یافت)

رئیس مجلس شورای ملی - **عبدالله ریاضی**